

سرمقاله

"شبح سرخ" مبارزه مسلحانه و کابوسی جمهوری اسلامی!

... قیام قهرآمیز آبان ۹۸ جدا از تمام درسها، بر یک اصل برجسته تاریخی و مبارزاتی مهر ناپید زد و آن این که قهر مامای انقلاب است. استنمارشدگان و قبر خوابان و زباله جمع کن ها، حاشیه نشینان زنده پوش و در یک کلام گرسنگانی که در کار انقلاب علیه نظم استنمارگرانه موجود به منظور رسیدن به نان، کار و مسکن و آزادی و استقلال به پا خاستند نشان دادند که به رغم تمام تلاشهای مذبحخانه دشمن و کونه بینی دوستان نادان خویش این اصل را در تجربه زندگی روزمره خویش آموخته اند و در حد توانشان به کار بردند. آنها از دست بردن به سلاح نهراسیدند چرا که می دانند تنها یک خلق مسلح است که امکان آزاد زیستن را دارد. اکنون یکی از وظایف محوری تمامی نیروهای راستین انقلاب است که بکوشند تا به سازماندهی جوانان مبارز و آگاه، حول پرچم "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه پیروزی" یاری رسانند... صفحه ۲



بزرگداشت چهل و نهمین سالگرد
رستاخیز سیاهکل
پژواک رستاخیز سیاهکل در قیام آبان

سخنران: رفیق چکنیز قبادی فر
موسیقی، پرسش و پاسخ

زمان: یکشنبه ۹ فور ۲۰۲۰، ساعت: ۲۰:۳۰، بعد از ظهر
مکان: سالن اجتماعات کتابخانه مرکزی نورث یورک
تورنتو - کانادا

North York Central Library, Auditorium
5120 Yonge Street, Toronto, Ontario M2N 5N9
North York Subway Station

www.siahkal.com

اشرف دهقانی

راه انقلاب ما!

بدون این که به تشریح چگونگی عملکرد امپریالیستها بپردازم باید بگویم که از چین و ژاپن و روسیه گرفته تا امپریالیستهای غربی، از انگلیس و فرانسه و آلمان تا آمریکا هر کدام به شکلی ثروت های مردم ما را به غارت می برند و اینو هم توده ها می دانند. مثلاً غارت معادن، جنگل ها و غیره توسط امپریالیستها برای مردم ما ناشناخته نیست. با مثلاً مردم می بینند که محصولات کشورهای امپریالیستی به قیمت نابودی کشاورزان ایران، چطور به ایران سرازیر می شه، و یا تحریم های آمریکا! در این مورد ممکنه دلایل واقعی تحریمها برای همه مردم روشن نباشه ولی کیه که اثرات مریکبار این سیاستی که آمریکا مستقیماً علیه توده های محروم ما به کار می بره رو متوجه نباشد. آیا آمریکا که با این تحریم ها سهم بزرگی در کشاندن مردم ایران به فقر و فلاکت داره، دوست مردم ایرانیه؟ ببینید! درست به همان صورتی که جمهوری اسلامی دولت آمریکا رو در حرف و شعار دشمن مردم خطاب می کند در آمریکا هم بازار بد و بیراه گفتن به جمهوری اسلامی حسابی داغه. اما این سر و صدا ها همه دروغ و برای فریب مردمه. اینو حداقل مردمان هشیار و آگاه ایران متوجه هستند. چون عمل را معیار قرار می دهند.

پیگیری فرخ نگهدار در دفاع از جمهوری اسلامی

رفقائی که دست اندر کار بر پایی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بودند از سال ۱۳۴۱ در شرایط اختناق حاکم، بطور مخفیانه به مدت چهار سال بطور سیستماتیک به تحقیق شرایط عینی جامعه و ارائه تحلیل تنوریک از آن پرداخته و موفق به ارائه تئوری انقلاب ایران گشته و بر اساس آن دست به عملیات مسلحانه زدند. بر کسی پوشیده نیست که فرخ نگهدار در هیچ کجا و در هیچ مقطع از این روند شکل گیری سازمان وجود نداشته است. در گروه جنگل نیز که در سال ۱۳۴۷ توسط رفقای کمونیست جان بر کف به عنوان بخش دیگری از تشکیل دهندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به وجود آمد، در آن جا هم هیچ اثر و رد پایی از فرخ نگهدار دیده نمی شود. صفحه ۱۱

فریبرز سنجری

ملاحظات در باره مراسم روز دانشجوی ۱۳۹۸

... صرف نظر از این که در شرایط کنونی هیچ اتحادی بین نیروهای مترقی و انقلابی با مجاهدین و سلطنت طلبان جایز نیست، اما به طور کلی، بر عکس نظر چپ آمریکایی اتفاقاً هیچ اتحادی به معنای سکوت در مقابل مواضع نیرو هایی که با هم متحد شده اند، نیست. معنای اتحاد اصلاً به معنای سکوت در باره برنامه های دیگران نیست. اتحاد بین نیرو های سیاسی را نباید به سطح تز و رشکسته "همه با هم" سالهای ۵۶ و ۵۷ نزول داد. تصور کنید که فردا سیر شرایط عینی، اتحادی بین نیرو های انقلابی را شکل دهد، در این صورت نیرو های متحد باید هیچ کلامی در باره برنامه ها و سیاست های نیرو های دیگر نگویند؟... صفحه ۹

در صفحات دیگر

- اعلامیه سازمان به مناسبت روز دانشجوی ۱۳۹۸ ۸
- گزارش از فعالین سازمان در مورد آکسیونهای مبارزاتی در کشورهای مختلف در صفحات ۴، ۵، ۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰
- برخی ملاحظات در رابطه با قیام آبان ماه ۱۳۹۸ ۱۴

همچنان که هر حکومت وابسته به امپریالیسم دیگر نیز از این خصلت و ویژگی برخوردار است. در این چهارچوب، آنچه که این رژیم در جریان سرکوب خونین قیام آبان نشان داد، واکنشی تبهکارانه و سیوعانه از سوی ضد انقلابی بود که احساس خطر نسبت به حفظ نظام استثمارگرانه سرمایه داران حاکم و سلطه اربابان جهانی اش در سراسر وجودش رخنه و آن را به مصادف مرگ و زندگی با کنش توده های انقلابی و مصمم در ایران کشانیده بود. دستور مستقیم خامنه ای جلاد در جلسه با مقامات دولتی و امنیتی با اعلام این امر که جمهوری اسلامی در "خطر" است و برای خواباندن این "خطر"، "هرکاری" که لازم است بکنید، دستور تیری قاطع از سوی مهره راس نظام برای به راه انداختن حمام خون بود. این دستور در شرایطی صادر شد که خشم و نفرت به حق توده های ستمدیده از جنایات این رژیم و عزمشان برای سرنگونی آن باعث شده بود تا طبق آمار منتشره، روزانه حتی تا "۸۰۰ مورد" درگیری بین توده های به پاخاسته با مزدوران رژیم در کشور اتفاق بیفتد.

ابعاد و دلایل هراس جمهوری اسلامی از خیزش گرسنگان را می توان در گستردگی نمادهایی که توده های مبارز و انقلابی در کف خیابان هدف گرفتند نیز مشاهده کرد. در طول کمتر از یک هفته، بنا به گزارش خبرگزاری های مختلف "بیش از ۵۰ پایگاه و پاسگاه نظامی، ۲۴ آمبولانس (که در فیلمهای منتشره نیروهای سرکوب را به محل های درگیری منتقل می کردند)، ۷۲۱ بانک، ۹ مرکز مذهبی، ۷۰ پمپ بنزین، ۱۸۲ خودرو نظامی و ۱۰۷۶ موتورسیکلت [نیروهای رژیم] خسارت دیدند." به رغم تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی مبتنی بر "آشوبگر" و "تخریب گر" خواندن تظاهر کنندگان - درست همان شیوه مذبومگی که توسط سلف این رژیم یعنی شاه با "خرابکار" خواندن انقلابیون و مبارزین به کار گرفته می شد - توجه به ماهیت اهداف مورد تهاجم تظاهرکنندگان، نشانگر آن است که توده های به جان آمده، در واکنش به ۴۰ سال تحمیل فقر و استثمار و سرکوب طبقه حاکم، مانند هر حرکت انقلابی دیگر در تاریخ انقلابات جهانی، به هر آنچه که نشانی از این نظم استثمارگر و سرکوبگر داشت هجوم برده و قدرت لایزالی که در ورای خواست دیرینه و قلبی آنها برای سرنگونی این رژیم خوابیده است را به نمایش گذاردند. با مشاهده این واقعیت می باشد که برخی کارشناسان نظام با ارزیابی از ریشه های بحرانی که در مقابل نظام به بن بست رسیده و سرکوبگر حاکم می بیند اخطار می دهند که "به زودی لشکر میلیونی گرسنگان مانند یک سیل همه چیز را ویران می کند. گرسنگان چنان قدرتی خواهند داشت که هیچ کس جلودار آنها نیست." (ایلنا) و سرتیپ سالار آبنوش، فرمانده

"شبح سرخ" مبارزه مسلحانه و کابوس

جمهوری اسلامی!



جان شیرین شان مایه گذارده و کوشیدند برای به زیر کشیدن دشمنان شان خود را مسلح کنند.

ابعاد و عظمت این حرکت به اندازه ای بود که دیکتاتوری حاکم تنها با دست یازیدن به خشونت و سرکوبی کم سابقه، با ارسال تانک و هلی کوپتر و استفاده از سلاح های نیمه سنگین و بر پا نمودن یک حمام خون و قتل عام فجیع بیش از ۱۵۰۰ کودک و جوان و زن و مرد و "کشتار پشت درهای بسته" (لوموند) و همچنین با مجروح ساختن چند هزار تظاهر کننده و به بند کشیدن بیش از ۱۰ هزار تن از توده های معترض قادر به فائق آمدن بر خیزش مردم هر چند البته بطور موقتی شد.

سرکوب قیام کنندگان در آبان ماه آنقدر خونین، گسترده و فجیع بود که برخی آنرا با رویدادهای دهه خونین ۶۰ که به مثابه نقطه عطفی در مصادف انقلاب و ضد انقلاب در ایران شناخته شده مقایسه می کنند. یک بار دیگر سیاهچالهای جمهوری اسلامی مملو از اسرا شد. تعداد دستگیری ها به حدی بود که زندانهای رسمی و خانه های امن اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات گنجایش پذیرای این تعداد از اسرا را نداشتند؛ در نتیجه، حتی برخی از مدارس به زندان و شکنجه گاه تبدیل شدند. بسیاری از زخمی ها از بیمارستانها رها شده و یا بنا به خواست مقامات جمهوری اسلامی، "زجر کش" شده و یا با آویختن وزنه به پیکرهایشان، در رودخانه ها و سد ها انداخته شدند (برای نمونه، اجساد ۵ تن از قربانیان، در سد وحدت سمنان پیدا شد)

با تکیه بر کارنامه ۴۰ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، این واقعیت امروز عیان است که حیات جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم دست نشانده امپریالیست ها و خدمتگزار سرمایه داران داخلی و خارجی تنها با تکیه به اعمال قهر مطلق و سرکوب سیستماتیک امکان پذیر گشته است-

قیام صدها هزار تن از توده های گرسنه و به ویژه جوانان کارگر، زحمتکش و بیکار و حاشیه نشین جان بر کف، در ۲۹ استان و بیش از ۱۶۰ شهر و شهرک کشور، یکبار دیگر تصویری از شرایط و نیاز های جامعه تشنه انقلاب در ایران را در مقابل کل جامعه و نیرو های انقلابی و همچنین دشمنان رنگارنگ مردم ما به نمایش گذارد. ابعاد این خیزش بی سابقه توده ای و عمق و رادیکالیسم آن چه در شعارهای سرداده شده و چه در عمل انقلابی مردم علیه دشمنان شان به حدی برجسته و غیر قابل انکار بود که بلندگوهای تبلیغاتی در جهان از آن به عنوان "گسترده ترین نا آرامی ها" و "بزرگترین بحران حیات" ۴۰ ساله حکومت جمهوری اسلامی نام بردند. به طور مثال لوموند از این قیام به عنوان "چرخشی در تاریخ جمهوری اسلامی" اسم برد که "سرنگونی نظام را طلب می کرد".

در جریان این خیزش بر حق توده ای که در نتیجه اجرای گامی دیگر از برنامه های اقتصادی دیکته شده امپریالیستها یعنی آزاد سازی قیمت سوخت (افزایش ۲۰۰ درصدی بنزین) در چارچوب "جراحی بزرگ اقتصادی" ایران کلید خورد، تجمعات و راه بندان های مسالمت آمیز اولیه مردمی با اجرای "دستور تیر" ولی فقیه جنایتکار جمهوری اسلامی و هجوم گله های سرکوبگران به مردم معترض، به سرعت و به طور طبیعی به اقدامات قهر آمیز از طرف توده های انقلابی فراروید. در طول چند روز، ده ها شهر کشور به صحنه جنگی خونین و تمام عیار بین ماشین سرکوب رژیم یعنی ارتش و سپاه و بسیج و لباس شخصی های تا بن دندان مسلح و توده های شورشی که با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر روحانی"، "فرخنده باد انقلاب ۹۸" در صحنه حضور داشتند، تبدیل شد؛ توده های دست خالی که از

چگونگی تسلیح و تشکل خود می باشند. بی جهت نیست که **روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در مقاله ای در مورد ویژگی‌های قیام آبان ۹۸ بر عنصر فهر سازمانیافته اعمال شده متمرکز شده و می نویسد "حمله به مراکز حساس از جمله مراکز نظامی، انتظامی از ویژگی‌های خاص این دوره است" و با بر شمردن حملات تظاهر کنندگان به " دهها کلانتری، سپاه و سرد" و "محاصره کردن و کشتن چندین بسیجی" و تاکید بر "نحوه قلع و قمع بانک‌ها، تمرکز حملات بر مراکز نظامی و انتظامی با هدف دسترسی به سلاح، بستن برخی جاده‌ها با سلاح گرم" به این جمع بندی معترف می شود که **"خشونت سازمان یافته از ویژگی‌های منحصر به فرد اغتشاشات اخیر بود"** (تاکید از ماست) (روزنامه جوان ، ۲۹ آبان ۹۸).**

نه فقط تجارب عینی و مستقیم توده ها از نتایج کنش هایشان علیه یک دیکتاتوری عنان گسیخته در کف خیابان، ضرورت مبارزه با رژیم دیکتاتور حاکم را به آنها یادآوری می کند، بلکه توده های مبارز ما از تجارب درخشان مبارزاتی در گذشته به خصوص در دهه پنجاه و مبارزه انقلابی و پر ثمر سازمان های مسلح در آن دهه علیه رژیم شاه برخوردار می باشند؛ و با اهمیتی بسار عظیم، گنجینه تئوریک به جا مانده از چریکهای فدائی خلق در دهه پنجاه را در اختیار دارند که چگونگی پیمودن راه انقلاب ایران با تکیه بر قانونمندی های جامعه تحت سلطه ایران را به آنها نشان می دهد، گنجینه تئوریکی که در کتاب های " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" و " ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" (از دو چریک فدائی خلق، مسعود احمد زاده و امیر پرویز پویان)، مستطر می باشند و در آثار مختلف سازمان ما در انطباق با شرایط موجود در جامعه، مورد توضیح و تشریح قرار گرفته اند. بر این اساس، ابراهیم فیاض نگرانی خود از تشکیل گروه های سیاسی - نظامی توسط پیشروان جامعه- کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی- را در شرایط کنونی ایران به این صورت بیان می کند: "هر جنبشی تبدیل به تئوری و هر تئوری مجدد تبدیل به جنبش خواهد شد".

واقعیت برجسته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که ما با صف بندی مشخصی در جامعه خود مواجهیم که کارگران و زحمتکشان بخش رادیکال و انقلابی آن را تشکیل می دهند. در صف ضد انقلاب اما، علاوه بر جریانات درون طبقه حاکم، نیروها و جریانات آبرویافته و اصلاح طلب غیر حکومتی نیز هستند که در جبهه اتحاد نامقدس ارتجاع، علیه دادخواست توده های گرسنه برای ستاندن حق و مطالباتشان از طریق انقلاب و توسل به قهر علیه استثمارگران، تلاش می کنند، و

روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در مقاله ای در مورد ویژگی‌های قیام آبان ۹۸ بر عنصر فهر سازمانیافته اعمال شده متمرکز شده و می نویسد "حمله به مراکز حساس از جمله مراکز نظامی، انتظامی از ویژگی‌های خاص این دوره است" و با بر شمردن حملات تظاهر کنندگان به " دهها کلانتری، سپاه و بسیج با سلاح گرم و سرد" و "محاصره کردن و کشتن چندین بسیجی" و تاکید بر "نحوه قلع و قمع بانک‌ها، تمرکز حملات بر مراکز نظامی و انتظامی با هدف دسترسی به سلاح، بستن برخی جاده‌ها با سلاح گرم" به این جمع بندی معترف می شود که **"خشونت سازمان یافته از ویژگی‌های منحصر به فرد اغتشاشات اخیر بود" (تاکید از ماست) (روزنامه جوان ، ۲۹ آبان ۹۸).**

تمامی واقعیات بالا و به ویژه اقدامات قهر آمیز توده ها و تاثیر آن روی کمپ دشمنان مردم نشان می دهند که با وجود به خون کشیدن و سرکوب موقتی سیل بنیان برافکن نیروی گرسنگان در آبان ماه، اکنون "شبحی" در فضای سیاسی جامعه تحت سلطه ما در گشت و گذار است؛ شبح انقلاب، انقلابی مسلحانه که توده ها با اعمال قهر انقلابی در کف خیابان نشان دادند تنها راه انقلاب اجتماعی در ایران می باشد؛ شبح تلاش فرودستان برای مسلح شدن و به زیر کشیدن ۴۰ سال حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی. بی دلیل نیست که اکنون تمام نیروهای ضد انقلابی، از رژیم وابسته حاکم گرفته تا ضد انقلابیون مغلوب و حتی نیروهای متزلزل درون صف خلق برای مقابله با این شبح در یک جبهه اعلام نشده متحد شده اند. روزی نیست که نوشته و سخنرانی ای در تقبیح "خشونت" توده های به جان آمده و مضرات اعمال "قهر" (البته از سوی استثمار شوندهگان و نه حاکمان) منتشر نشود؛ و در این بین، روزی هم نیست که از سوی مقامات ضد خلقی و یا اصلاح طلبان حکومتی و یا احزاب و نیروها و مهره های باصلاح اپوزیسیون ولی طرفدار حفظ نظام استثمارگرانه فعلی، علیه تئوری مبارزه مسلحانه و نیروهای مدافع آن، حمله مغرضانه ای صورت نگیرد.

درست در شرایط حضور "شبح سرخ" مبارزه مسلحانه بر فراز جامعه ایران است که ابراهیم فیاض یکی از مهره های اصولگرایی نظام که مطبوعات رژیم از او به عنوان اقتصاد دان نام می برند با مشاهده گرایش عینی جنبش گرسنگان در کف خیابان، عنوان می کند که : "امروز نگران تشکیل گروه‌های کوچک ترور در کشور هستیم. احساس می‌کنم که به سال ۵۱ برگشتیم. زمانی که گروه‌هایی نظیر فدائیان و پیکار و... تشکیل شدند..." او همچنین با هراس از مشاهده رشد بی سابقه تمایل عملی به قهر از سوی فرودستان برای مبارزه با جمهوری اسلامی و اعتراف به این که " امروز نه اصلاح طلبی می تواند مرجع سیاسی باشد، نه اصولگرایی" هشدار می دهد که این جنبش، "می تواند بعد تئوریک پیدا کند". این سخنان، اعتراف به یک جهت گیری گریز ناپذیر در جنبش انقلابی توده های به پا خاسته ماست.

تمامی واقعیات بالا و به ویژه اقدامات قهر آمیز توده ها و تاثیر آن روی کمپ دشمنان مردم نشان می دهند که با وجود به خون کشیدن و سرکوب موقتی سیل بنیان برافکن نیروی گرسنگان در آبان ماه، اکنون "شبحی" در فضای سیاسی جامعه تحت سلطه ما در گشت و گذار است؛ شبح انقلاب، انقلابی مسلحانه که توده ها با اعمال قهر انقلابی در کف خیابان نشان دادند تنها راه انقلاب اجتماعی در ایران می باشد؛ شبح تلاش فرودستان برای مسلح شدن و به زیر کشیدن ۴۰ سال حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی. بی دلیل نیست که اکنون تمام نیروهای ضد انقلابی، از رژیم وابسته حاکم گرفته تا ضد انقلابیون مغلوب و حتی نیروهای متزلزل درون صف خلق برای مقابله با این شبح در یک جبهه اعلام نشده متحد شده اند. روزی نیست که نوشته و سخنرانی ای در تقبیح "خشونت" توده های به جان آمده و مضرات اعمال "قهر" (البته از سوی استثمار شوندهگان و نه حاکمان) منتشر نشود؛ و در این بین، روزی هم نیست که از سوی مقامات ضد خلقی و یا اصلاح طلبان حکومتی و یا احزاب و نیروها و مهره های باصلاح اپوزیسیون ولی طرفدار حفظ نظام استثمارگرانه فعلی، علیه تئوری مبارزه مسلحانه و نیروهای مدافع آن، حمله مغرضانه ای صورت نگیرد.

درست در شرایط حضور "شبح سرخ" مبارزه مسلحانه بر فراز جامعه ایران است که ابراهیم فیاض یکی از مهره های اصولگرایی نظام که مطبوعات رژیم از او به عنوان اقتصاد دان نام می برند با مشاهده گرایش عینی جنبش گرسنگان در کف خیابان، عنوان می کند که : "امروز نگران تشکیل گروه‌های کوچک ترور در کشور هستیم. احساس می‌کنم که به سال ۵۱ برگشتیم. زمانی که گروه‌هایی نظیر فدائیان و پیکار و... تشکیل شدند..." او همچنین با هراس از مشاهده رشد بی سابقه تمایل عملی به قهر از سوی فرودستان برای مبارزه با جمهوری اسلامی و اعتراف به این که " امروز نه اصلاح طلبی می تواند مرجع سیاسی باشد، نه اصولگرایی" هشدار می دهد که این جنبش، "می تواند بعد تئوریک پیدا کند". این سخنان، اعتراف به یک جهت گیری گریز ناپذیر در جنبش انقلابی توده های به پا خاسته ماست.

لنین تبدیل اعتصاب عمومی به "قیام مسلحانه"، به "اعتصاب عمومی اقتصادی و سیاسی" (بخوان همان کاری که زیر تیغ دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی سازماندهی مورد نیازش وجود ندارد) دست بزنند تا زمان "قیام مسلحانه" فرا برسد. این برخورد از طرف اقلیت بیانگر آنست که شیخ اقدامات قهر آمیز و گرایش به مبارزه مسلحانه کارگران و توده های زحمتکش، اقلیت را نیز به هراس انداخته است چرا که این رویدادهای عینی و ابتکار کارگران آگاه در خیابان، قبل از هر چیز شکست و عقیم بودن تز کار آرام سیاسی اقلیت و دور باطل اعتصاب عمومی بعد قیام مسلحانه (بدون رهبری کمونیستی) در شرایط دیکتاتوری مطلق العنان حاکم بر نظام سرمایه داری ایران را نشان داده است.

قیام قهر آمیز آبان ۹۸ جدا از تمام درسها و تجارب بزرگ مبارزاتی ای که بر جای گذارد، بر یک اصل برجسته تاریخی و مبارزاتی بار دیگر مهر تایید زد و آن این که قهر مامای انقلاب است. استثمارشدگان و قبر خوابان و زباله جمع کن ها، حاشیه نشینان زنده پوش و در یک کلام گرسنگانی که در کار انقلاب علیه نظم استثمارگرانه موجود به منظور رسیدن به نان، کار و مسکن و آزادی و استقلال به پا خاستند نشان دادند که به رغم تمام تلاشهای مذبوحانه دشمن و کوتاه بینی دوستان نادان خویش این اصل را در تجربه زندگی روزمره خویش آموخته اند و در حد توانشان به کار بردند. آنها از دست بردن به سلاح نهراسیدند چرا که می دانند تنها یک خلق مسلح است که امکان آزاد زیستن را دارد. اکنون یکی از وظایف محوری تمامی نیروهای راستین انقلاب است که با تمام توان بکوشند تا به سازماندهی جوانان مبارز و آگاه کشور که همواره در پیشاپیش صفوف میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان و بیکاران و حاشیه نشینان و فرودستان تشنه انقلاب اجتماعی قرار دارند، حول پرچم "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه پیروزی" یاری رسانند.

شکوهمند" آبان ماه به رغم "اطمینان" دادن به توده های حاضر در کف خیابان در مورد این که رژیم برای سرکوب و به خون نشاندن جنبش آنان "همه ظرفیت و توان دستگاه سرکوب خود را بکار خواهد گرفت"، از آنها می خواهد که با دستی خالی به رویارویی جلادان حاکم بروند تا "هزینه" مبارزه را پایین بیاورند. اینان که خوب می دانند که دژخیمان حاکم در چهل سال گذشته نشان داده اند که حتی تحمل مبارزات مسالمت آمیز توده ها را نیز ندارند، به واقع، تسلیم و عدم مبارزه را تخت عنوان "رهیز از خشونت" در مقابل شلیک مستقیم به مردم بی دفاع و زجر کش کردن اسرا و ... به توده موعظه می کنند.

<https://www.rahekargar.net/browsf.php?cid=1092&id=40>

مورد برجسته دیگر در میان نیروهای عقب مانده و سازشکار، سازمان فداییان- اقلیت است که البته ادعای ستاد رزمنده پرولتاریا بودن را نیز می کرد. قیام آبان یکی دیگر از نقاط عطف و تند پیچ هایی بود که با محک زدن مواضع این سازمان در مقابل واقعیات جامعه، نشان داد که اینها نیز به شکل دیگری از توسل توده ها به مبارزه مسلحانه جهت مقابله با دشمنان خود به وحشت افتاده اند. اینان با لفاظی های تمسخر آمیز، بالاخره اعلام کردند که پس از قیام آبان ماه، "موقعیت انقلابی" در جامعه به وجود آمده است. اما، در چنین موقعیتی نه تنها به طور مطلق وظیفه ای برای نیروهای پیشرو جامعه قابل نیستند، بلکه از طبقه کارگر هم می خواهند که کماکان به مبارزه اعتصابی بپردازد. حتی تأکید می کنند که مبادا کارگران به سازماندهی مسلح خود بپردازند و مبادا سعی کنند در جریان مبارزه مسلحانه رهبری دیگر توده ها را به عهده بگیرند. پس اذعان به موقعیت انقلابی برای چیست اگر قرار نیست در سیاست تا کنونی شان تغییری بدهند. اقلیت آشکارا به طبقه کارگر رهنمود می دهد که به جای تقویت و مشارکت سازمانیافته در این شکل از مبارزه و کوشش برای ارتقاء آن و به قول

سیاستهای حاکمان علیه توده های فرودست را البته خارج از مدار حکومت تعقیب و اجرا می نمایند. شماری از این مرتجعین در جریان قیام آبان ۹۸ خشم و کینه شان از قهر گرسنگان را بدانجا رساندند که مسبب حمام خونی که جمهوری اسلامی با کشتار بی رحمانه توده ها به راه انداخت را نه حکومت و حاکمان بلکه توسل به قهر محکومان به جان آمده جلوه دادند و با بی شرمی تمام مدعی شدند که به علت آنکه مردم برای خلع سلاح مراکز سرکوب اقدام کردند، به طور طبیعی مورد حمله و کشتار قرار گرفتند (اشاره به مفهوم سخنان بیشزمان مسعود بهنود یکی از مرتجعین شناخته شده در زمان شاه و جمهوری اسلامی که یک پیش در سفارتخانه های و کنسولگری های جمهوری اسلامی به منظور رای دادن در خارج کشور است و پای دیگرش در جایگاه و تربیونهای تبلیغی طرفدار نظام جهت حمله به مردم). از طرف دیگر، نیروهای انقلابی در جامعه با نیروهای متزلزل و سازشکار هم مواجهند که عروج "شیخ سرخ" مبارزه مسلحانه و چشم انداز ضربه خوردن نظام سرمایه داری حاکم (علیرغم همه ادعاهای ضد سرمایه بودنشان)، آنها را نیز به هراس انداخته است. در حقیقت، قیام ۹۸ و برجستگی عنصر قهر در آن یکبار دیگر جایگاه واقعی نیروهای متزلزل و سازشکار در انقلاب را رو کرد و نشان داد که چگونه این نیروهای خود "پیشرو" خوانده، در حالی که در عمل فرسنگها عقب تر از توده ها هستند، در وحشت از اقدامات رادیکال کارگران و مردم به جان آمده برای تسلیح خود و حمله به ارگانهای سرکوب و در یک کلام تلاش برای سازمان دادن مبارزه قهرآمیز علیه نظام و سیستم حاکم به دست و پا افتاده اند و می کوشند با ظاهری خیرخواهانه در مقابل جنبش توده ای مانع ایجاد کرده و حرکت چرخهای آن را کند سازند. در میان این نیروها می توان "هیات اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران-راه کارگر" را دید که در جریان قیام و "مبارزات

لاَهه هلند: گزارش راهپیمایی ایرانیان در همبستگی

با خیزش توده ها در ایران

از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر روز شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹، در حمایت از خیزش انقلابی توده های جان به لب رسیده ایران، راهپیمایی ای در شهر لاهه هلند برگزار شد. این راهپیمایی با استقبال ایرانیان مقیم هلند و فعالین نیروهای سیاسی مختلف (که اکثرا از نیروهای چپ و سوسیالیست بودند) مواجه گردید. شرکت کنندگان در این راهپیمایی ابتدا در میدان Koekamp دست به تجمع زده و با سر دادن شعار هایی علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، خشم و اعتراض خود را نسبت به سرکوب مبارزات توده ها در ایران توسط دیکتاتوری حاکم به نمایش گذاشتند.

در طول راهپیمایی، شرکت کنندگان ضمن حمل ده ها بنر و پرچم سرخ شعارهایی به زبان های هلندی، فارسی و انگلیسی فریاد زدند. از جمله شعار هایی که در این حرکت اعتراض سر داده شدند "جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد"، "کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد"، "نه شاه می‌خوایم نه مَلا، قدرت به دست شورا" و "نان، کار، آزادی، اداره‌ی شورایی"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" و ... بودند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران با حمل آرم سازمان از شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی بودند.

جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد!

زنده باد مبارزات رهایی بخش توده های تحت ستم!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران، لاهه - هلند

۲۴ نوامبر ۲۰۱۹





توده های مسلح در جریان قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

"راه انقلاب ما!"

گفتگوی کانال تلگرام بذر های ماندگار با رفیق اشرف دهقانی (بخش اول)

توضیح پیام فدائی: بدنیاال قیام خونین دلاورانه مردم در آبان ۹۸، فرصتی دست داد تا کانال تلگرامی "بذرهای ماندگار" گفتگویی با رفیق اشرف دهقانی در باره این قیام با عنوان "راه انقلاب ما" انجام دهد. این مصاحبه در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۸ انجام پذیرفت. آن چه در زیر می آید متن مصاحبه مزبور می باشد. "پیام فدایی" این مصاحبه را با برخی تصحیحات جزئی از صورت گفتار به نوشتار در آورده است و به این طریق در اختیار علاقمندان قرار می دهد.

خوردن با باتوم از سوی مزدورانش، و یا حتی با پرتاب گاز اشک آور، صحنه مبارزه را ترک نمی کنند. برای همین پیشاپیش این مأموران را بسیج و آماده کشتار مردم کرده بود تا امکان تجمع و تظاهرات و اعتراض را از مردم سلب بکند. والا می دانست که خیلی زود خودش را در محاصره میلیون ها توده مبارز و انقلابی خواهد یافت.

راستی، از ارتش اسم بردم، البته ارتش در آغاز، منتظر بود که ببیند نتیجه عملکردهای ارگان های سرکوب دیگه چی میشه و سعی کرده بود که مستقیماً در این درگیری ها دخالت نکند، ولی بر اساس نوشته و گفته های شاهدان عینی، در کرمانشاه وقتی توده های انقلابی توانستند نیروهای مسلح را فراری بدهند و رفتند که رادیو و تلویزیون را تسخیر بکنند، در اینجا بود که ارتش مداخله کرد و با دست زدن به کشتار مردم، از پیشروی آن توده های انقلابی جلوگیری کرد. همچنین در بهبهان هم اخبار و فیلمهای منتشر شده، دخالت نیروهای ارتش و استقرار آن در نقاط حساس این شهر این اخبار این را نشان می دهد. حضور تانک در خیابانهای شیراز و ماهشهر و استفاده از هلی کوپتر در این مناطق را هم شاهد بودیم.

پرسش: درست است، همه این شواهد به طور آشکار این حرف شما را تأیید می کنند. حتی از همان اول، گلوله هاشونه مستقیماً به قلب و مغز مردم معترض شلیک کردند. حالا هم برای پنهان کردن چهره خونین خودشون، شایعه پخش میکنند که گویا مردم معترض اشرار بودند و اول اونها شلیک کردند؛ و یا گویا مزدورانشان اصلاً دست به سلاح نبرده اند و گویا تظاهر کنندگان خودشون خودشون کشتند. این ها از نوع دروغ های کوبلزی دوره هیتلر. در مورد دشمنی جمهوری اسلامی با کارگران و توده های رنجدیده ما شکی نیست ولی شما در مقاله تان به پشتیبانی امپریالیست ها هم از این رژیم در جریان قیام آبانماه

عمیق و صمیمانه خودم را هم، با بازماندگان این زنان و مردان انقلابی و این شکوفه های پرپر شده اعلام می کنم.

اما در مورد سوال شما. این که از آغاز تجمعات توده ای، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای متفرق کردن توده ها و ممانعت از تجمع و تظاهرات اونها، بلافاصله دست به سلاح بردند و بی محابا به سوی مردم تیراندازی کردند، امریه که برای همه توده هائی که در صحنه های مبارزاتی آنجا حضور داشتند کاملاً روشن و عیان است. این حقیقت را، هم، شاهدان عینی و هم، ویدئوهائی که از صحنه تجمعات مردم پخش شده، خیلی به روشنی گواهی می دهند. کلاً همه نشانه ها، اینو نشان می دهند که نیروهای مسلح مزدور با هر اسمی که رویشون هست - نیروی انتظامی، لباس شخصی، یگان ویژه و غیره و یا ارتش- (خب، اینا همگی حافظ شرایط استثمار و فجایع ناشی از اون استثمار در جامعه ما هستند) همه اینا پیشاپیش مأموریت داشتند که مانع از تجمع و تظاهرات مردم بشوند. خوب دلیلش هم روشن است، چون رژیم هم از شدت و حدت خشم مردم نسبت به خودش آگاه بود و هم از شدت فشارهائی که کارد به استخوان مردم رسونده و آنها رو به عصیان کشتونده. ببینید، قبل از قیام اخیر، مردم ما، قیام قهر آمیز توده ای دیماه ۹۶ و در تداوم آن، به طور خیلی برجسته مبارزات آگاهی بخش و پرثمر کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، مبارزات پرشور معلمان، جنبش مالباختگان، اعتراضات دانشجویی و غیره را از سر گذرانده بودند. بنابراین، رژیم، هم به نفرت عظیم توده های مردم نسبت به خودش آگاه بود و هم، متوجه بود که کارگران و زحمتکشان که اکثریت جامعه رو تشکیل می دهند و برپا کنندگان اصلی قیام آبانماه بودند، در شرایطی که از انقلاب توده های همدرد و هم سرنوشت خودشون از شیلی گرفته تا لبنان و عراق هم تأثیر گرفته بودند، برای سرنوشتی جمهوری اسلامی، از انرژی مبارزاتی بسیار بالا و سهمگینی برخوردار هستند.

اینها را رژیم می دانست. در نتیجه می دانست که تجمع کنندگان به صرف کتک

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با درود های گرم به شنوندگان کانال "بذر های ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدایی خلق ایران.

قیام توده های ستمدیده مان در آبانماه امسال، ۱۳۹۸، که در ۲۹ استان کشور و در بیش از ۱۰۰ شهر جریان پیدا کرد. بطور طبیعی پرسش هائی را برای بازدیدکنندگان کانال بذرهای ماندگار مطرح کرده که با توجه به مقاله ای که رفیق اشرف دهقانی در جریان این قیام تحت عنوان "خشم توده ها جز با آتش به جان خصم، خاموشی نمی گیرد" منتشر نمودند بر آن شدیم که در این زمینه در دو بخش مصاحبه ای با رفیق اشرف دهقانی ترتیب دهیم و پرسشهایمان را با این رفیق در میان بگذاریم. اکنون بخش اول این مصاحبه.

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: رفیق اشرف با تشکر از شما که به خواست ما برای این گفتگو پاسخ مثبت دادید. رفیق اشرف دهقانی: با درود به شما و همه شنوندگان عزیز کانال بذر های ماندگار. امیدوارم که در این گفتگو بتوانیم به زوایای مختلف قیام حماسی کارگران و رنجدیدگان ایران در آبانماه امسال بپردازیم.

پرسش: رفیق اشرف به دنبال خیزش بزرگ توده های تحت ستممان در ۲۲ آبان ماه، از شما مطلبی چاپ شد تحت عنوان: "خشم توده ها جز با آتش به جان خصم، خاموشی نمی گیرد" در این مقاله شما تأکید می کنید که: "سران جنایتکار رژیم پیشاپیش فرمان تیراندازی به توده ها و به خاک و خون کشیدن آن ها را به نیروهای مزدور مسلح خود ابلاغ کرده بودند" براساس چه واقعیهائی به این نتیجه رسیدید؟

پاسخ: قبل از پاسخ اجازه بدید یاد همه زنان و مردان، جوانان و نو جوانان و کودکانی که در جریان قیام حماسی آبانماه، با بی رحمی تمام به دست نیروهای وحشی جمهوری اسلامی، در خون غلطانده شدند را گرامی بدارم. یادشان همواره گرامی و جاوید خواهد بود. در ضمن در اینجا همدردی

اشاره کرده اید. ممکنه در این مورد بیشتر توضیح بدید؟

پاسخ: بله، نیروهای امپریالیست درست به خاطر غارت ثروت های مردم ایران و اهمیتی که ایران در خاورمیانه برای پیشبرد سیاست های اونها داره، این رژیم را در انجام جنایت علیه توده های دربند ما کاملاً و به طور همه جانبه مورد حمایت های عملی خودشون قرار دادند. همه دیدند که در شرایطی که ایران در میان دود و خون و آتش می سوخت، آنها کمک کردند که رژیم بتواند اینترنت را قطع بکند. بعدش هم هیچ کدوم از رسانه های امپریالیستی، حتی خبری از مبارزات مردم ایران را پخش نکردند، و خیلی آشکار سعی کردند افکار عمومی در ایران و جهان را از آنچه که در ایران میگذشت بی اطلاع نگه بدارند. برخی، مثل بی بی سی حتی با ترساندن مردم از سرکوب های رژیم، سعی می کردند مانع از حضور

افراد بیشتری در خیابان بشوند. به راستی که اینها همه علیه توده های جان به لب رسیده ما عمل کردند. در این میان برخورد مقامات آمریکائی هم چشمگیر بود، که تازه خودشون را دشمن جمهوری اسلامی هم جا می زنند. مثلاً پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در بجنوبه نبردهای خونین بین رژیم و توده های رنج دیده ایران، در گفتگو با " Fax and friends " (فاکس آند فرندز) مطرح کرد که ما نهایت کوشش مان را می کنیم که مردم ایران بتوانند اینترنت داشته باشند و با دنیا ارتباط بگیرند، که البته ادعای دروغ و ریاکارانه ای بیش نبود و در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. سفیر آمریکا در آلمان هم در تویتر خودش نوشت که آمریکا تکنولوژی لازم برای وصل اینترنت در ایران را داراست و " می توانیم اینترنت را برای مردم ایران وصل کنیم." خب، پس چی شد؟ مسلماً اگر این سخنان، ریاکارانه و برای فریب مردم نبود، به حرف اکتفاء نمی کردند. در حالی که می دانیم اونها در عمل به کمترین اقدامی برای وصل اینترنت در ایران، دست نزدند. همین نمونه هم، دروغین بودن ادعاهای آنها در طرفداری از توده های ستمدیده ما را اثبات می کنه. حالا هم پس از ظاهراً موفقیت جمهوری اسلامی در به عقب راندن موقتی توده ها، رسانه هاشون بدون این که خبری از قهرمانی ها و موفقیت های توده های ما منتشر بکنند، مرتب خبر هائی را پخش می کنند که اگر چه ظاهر دلسوزانه دارند، ولی تکیه شان به رخ کشیدن قدرت سرکوب رژیم هست. به واقع، نقش این رسانه ها چه در بجنوبه نبردهای خونین در ایران و چه بعد از اون، خاموش کردن آتش انقلابی توده های ما بوده. البته، جای تعجب هم نداره. چون با توجه به وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها، اعمال انقلابی توده های ما

علیه این رژیم، در حقیقت و در اساس منافع غارتگرانه امپریالیستها را به خطر می اندازه.

پرسش: بگذارید دو باره به همان نوشته رجوع کنم در مقاله مورد بحث، شما مردم را در جنگی با جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح ضدانقلابی اش می بینید که باید تا سوزاندن



"ریشه همه جنایت ها و پلیدی ها که همانا سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران" می باشه، ادامه پیدا بکنه. در اینجا سوالاتی مطرح میشه اولی این که آیا مردم ایران حاکمیت سرمایه داری را به عنوان "ریشه جنایت ها و پلیدی ها" می موجود، در زندگی خودشون لمس میکنند؟

پاسخ: واقعا آگاهی از این موضوع به درک خیلی چیزها کمک میکنه. ببینید، ممکنه همه مردم ما، با حملات رسا نتوانند حاکمیت سیستم سرمایه داری در ایران را توصیف بکنند، ولی عملکرد این سیستم را در زندگی خودشان کاملاً لمس می کنند. مثلاً کارگران ما، سرمایه داران را که استثمار وحشیانه ای را بر آنها تحمیل کرده اند، خیلی خوب می شناسند. این را هم می دانند که جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه داران هستند. چون بارها و بارها، موقعی که اعتصاب کردند یا برای تحقق کمترین خواسته هاشون از سرمایه داران، دست به تجمع زدند و در شهر راهپیمائی کردند این رژیم به دفاع از سرمایه داران، نیروهای مسلحش به سراغ اونها فرستاده، یا می دونیم که این رژیم در دفاع از سرمایه داران، کارگران معترض را در اقصی نقاط ایران، محکوم به شلاق کرده و آنها را به زندان انداخته و نیروهای امنیتی اش هم، برای خاموش کردن مبارزات طبقه کارگر همواره کارگران را مورد تهدید و ارباب قرار می دهند. اینجاست که خود تجربه زندگی، به کارگران آموخته که حاکمیت جمهوری اسلامی، حاکمیت سرمایه دارانه. همین طور، زحمتکشان و طبقه متوسط هم به اشکال مختلف با حاکمیت سرمایه داران از طریق عملکردهای ظالمانه جمهوری اسلامی در زندگی خودشون مواجه هستند. یک نمونه بارز را در این مورد همیشه بانکها را مثال زد که تجسم سرمایه مالی

هستند که تحت حمایت رژیم به طور مدام به چاپیدن مردم مشغولند. یا دیدیم ک صاحبان صندوق های مالی چطور سپرده های افشار پائین و متوسط جامعه را بالا کشیدند و رژیم با سرکوب مبارزات "مال باختگان" در عمل به دفاع و حمایت از آن سرمایه داران پرداخت. یا کل توده های تحت ستم ایران نتایج خانمان برانداز سیاست خصوصی سازی، که صاحبان سرمایه را مستقیماً در مقابل مردم قرار می دهد را در زندگی خودشون می بینند و لمس می کنند. همین نمونه ها به خوبی نشون میدهند که مردم، حاکمیت سرمایه داران، سیستم سرمایه داری و حفاظت رژیم جمهوری اسلامی از این سیستم را با همه وجودشان حس و درک می کنند. برای این که صحبت ها طولانی نشه بیشتر از این روی این موضوع مکت نمی کنم. اما بدون این که به تشریح چگونگی عملکرد امپریالیستها بپردازم در مورد

آنها هم باید بگم که از چین و ژاپن و روسیه گرفته تا امپریالیستهای غربی، از انگلیس و فرانسه و آلمان تا آمریکا هر کدوم به شکلی ثروت های مردم ما را به غارت می برند و اینو هم توده های ستمدیده ما می دانند. مثلاً غارت معادن، جنگل ها و غیره توسط امپریالیستها برای مردم ما ناشناخته نیست. یا مثلاً مردم می بینند که محصولات کشورهای امپریالیستی به قیمت نابودی کشاورزان ایران، چطور به ایران سرازیر می شه، و یا تحریم های آمریکا! در این مورد ممکنه دلایل واقعی تحریمها برای همه مردم روشن نباشه ولی کیه که اثرات مرگبار این سیاستی که آمریکا مستقیماً علیه توده های محروم ما به کار می بره رو متوجه نباشد. آیا آمریکا که با این تحریم ها سهم بزرگی در کشاندن مردم ایران به فقر و فلاکت داره، دوست مردم ایران؟ ببینید! درست به همان صورتی که جمهوری اسلامی دولت آمریکا رو در حرف و شعار دشمن مردم خطاب می کند در آمریکا هم بازار بد و بیراه گفتن به جمهوری اسلامی حسابی داغه. اما این سر و صدا ها همه دروغ و برای فریب مردم. اینو حداقل مردمان هشیار و آگاه ایران متوجه هستند. چون عمل را معیار قرار می دهند. مثلاً همین مردمان هشیار و آگاه دیدند که پس از اون که احمدی نژاد برای اولین بار به توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، به قطع سوبسیدها پرداخت و سه برابر هم در اون زمان به قیمت بنزین افزوده شد، از طرف همین نهادهای امپریالیستی به طور رسمی مورد تشویق قرار گرفت. گرداننده اصلی آن دو نهاد امپریالیستی هم همین آمریکاست. آیا توده های پیشرو ما که تجربه زندگی، معلم اونهاست و انسانهای آگاه و هشیار، در ایران وجود ندارند که متوجه این امر بشوند و بدانند که جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در حالی

که همدیگر را دشمن خطاب می کنند، ولی در خفا دست در دست هم دارند و سیاست های غارتگرانه و جنگ طلبانه آمریکا توسط جمهوری اسلامی، در ایران و منطقه پیاده می شه ؟ حالا هم پس از این که ترامپ و دیگر مقامات آمریکا از سرکوب توده ها توسط رژیم دست نشانده شون خاطرجمع شده اند، با وقاحت به اظهار همدردی با مردم دردمند ما می پردازند. شکی نباید داشت که مردمان آگاه و هشیار جامعه، در این زمینه، دم خروسی می بینند و نه قسم حضرت عباس را. معیار برایشان عمله و نه حرف و ادعا!

پرسش: سوال بعدی در مورد این گفته شماست که "ریشه همه جنایت ها و پلیدی ها سیستم سرمایه

داری حاکم بر ایران. این ریشه را چطوری می شه سوزاند؟

پاسخ: اجازه بدید بر اساس مواردی که به آنها اشاره کردم، اول نتیجه مهمی که از آن موارد حاصل می شه را بگم و آن اینه که آنچه که در آبانماه در جامعه ما گذشت، یک جنگ طبقاتی بود. جنگ بین صف خلق و ضد خلق. یا به واقع جنگ بین نیروهائی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و از بین بردن ریشه فقر و فلاکت و جنایت و خفقان و دیکتاتوری یعنی نظام سرمایه داری موجود در ایران هستند و نیروهائی که به هر ترتیب در جهت حفظ اونها عمل می کنند. صف خلق را کارگران و زحمتکشان و اقشار گوناگون خرده بورژوازی که به عنوان طبقه متوسط از آنها یاد می شه تشکیل می دهند، صف ضد خلق هم از امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به آنها و همچنین از خرده بورژواهای وابسته که بقایشان به نظام امپریالیستی و بوروکراسی فاسد آن گره خورده تشکیل شده. در مورد این که چطور می شه سیستم سرمایه داری در جامعه ما که

ریشه همه بدبختی های مردم ما هستش را از بین برد، اصل و کنه مسأله بر می گرده به محروم کردن دشمن از نیرو و ابزاری که با آنها از این سیستم محافظت و دفاع می کنه و به واقع، بدون آنها قدرتی نداره. مردم

در شرایط کنونی، اولین قدم برای تشکیل ارتش خلق در ایران، متشکل شدن نیروهای پیشرو جامعه در گروه های سیاسی - نظامی است و این که آنها به عملیات پارتیزانی دست بزنند یا به قول خودمان همان عملیات چریکی علیه دشمن. نیروی انقلابی از ضعف شروع می کنه و به تدریج با جذب توده های مبارز به سوی خودش و با متشکل کردن آنها در جریان تداوم مبارزه مسلحانه، قدرتمند می شه و دشمنی را که امروز قدرتمند به تدریج ضعیف و ضعیف تر می کنه تا آنجا که به کمک همه توده های تحت ستم که در شکل های گوناگون دارند مبارزه می کنند و البته در اساس با نیروی توده های مسلح متشکل در ارتش خلق، این دشمن را بر زمین می زند. این، تنها راه رهائی مردم ما از شر جمهوری اسلامی و سوزاندن ریشه همه ظلم و ستم ها یعنی نابودی سیستم سرمایه داری در ایران می باشد.

ایران این را میدانند که جمهوری اسلامی بدون نیروهای مسلحش یک روز هم قادر به حکومت نیست، و می دانند که این رژیم با در اختیار داشتن ارتش منظم با زوایدش مثل سپاه پاسداران و بسیج و پلیس و با کمک نیروهای امنیتی- چه آنهائی که در وزارت اطلاعات متشکل هستند و چه در ارگان های دیگه مثل اطلاعات سپاه پاسداران. با اینها هست که امکان اعمال قهر علیه کارگران و زحمتکشان و طبقه متوسط موجود در جامعه را پیدا می کنه؛ و عمدتاً با تکیه بر این نیروهای مسلحه که توانسته به حیات ننگینش ادامه بده و سیستم سرمایه داری وابسته را در ایران پا برجای نگه بدارد. بنابراین، به نظر می رسه که تکلیف مردم هم باید در مقابل این واقعیات روشن باشه. یعنی اگر قرار بر اینه که مردم از دست این رژیم و سیستم سرمایه داری موجود در ایران رها بشن، پس باید در درجه اول نیروهای مسلح ضد خلقی کنونی را از بین ببرند که تکیه گاه اصلی و ستون فقرات این رژیم و کلاً حاکمیت سرمایه داران در ایران می باشد. در نتیجه، همه کوشش ها باید در جهت ایجاد یک نیروی مسلح از توده های

انقلابی یا به عبارت دیگه برای تشکل ارتش خلق، صرف بشه.

روی این واقعیت هم تأکید بکنم که توده های مبارز و فداکار ما، در جریان سه خیزش عظیم مردمی در یک دهه اخیر، یعنی در سالهای ۸۸، ۹۶ و ۹۸، چه با شعارهاشون و چه با اعمالشان در کف خیابانها، نشان داده اند که آمادگی مسلح شدن و دفاع از منافع شون در مقابل دشمنان تا بن دندان مسلحشون را دارند. بنابراین، این بر عهده نیروهای پیشاهنگ جامعه یعنی کارگران آگاه و روشنفکران انقلابیه که متوجه این واقعیت باشند. قیام های خودبخودی توده ها بهترین فرصت را برای آشنائی جوانان انقلابی با هم به دست میده که می توانند همدیگر را پیدا بکنند. باید از این فرصت، برای متشکل شدن خودشان استفاده بکنند.

در مقاله ای هم که در اینجا در موردش بحث می شه، من متذکر شدم که در شرایط کنونی، اولین قدم برای تشکیل ارتش خلق در ایران، متشکل شدن نیروهای پیشرو جامعه در گروه های سیاسی - نظامی است و این که آنها به عملیات پارتیزانی دست بزنند یا به قول خودمان همان عملیات چریکی علیه دشمن. نیروی انقلابی از ضعف شروع می کنه و به تدریج با جذب توده های مبارز به سوی خودش و با متشکل کردن آنها در جریان تداوم مبارزه مسلحانه، قدرتمند می شه و دشمنی را که امروز قدرتمند به تدریج ضعیف و ضعیف تر می کنه تا آنجا که به کمک همه توده های تحت ستم که در شکل های گوناگون دارند مبارزه می کنند و البته در اساس با نیروی توده های مسلح متشکل در ارتش خلق، این دشمن را بر زمین می زند. این، تنها راه رهائی مردم ما از شر جمهوری اسلامی و سوزاندن ریشه همه ظلم و ستم ها یعنی نابودی سیستم سرمایه داری در ایران می باشد. **(ادامه دارد)**

آکسیون دفاع از مبارزات مردم ایران در آتاوای کانادا

در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۹، در حمایت از قیام توده های جان به لب رسیده ایران و همچنین دفاع از جان هزاران معترضی که در جریان این خیزش بزرگ مردمی بازداشت شده و زیر شکنجه قرار دارند، آکسیونی در مقابل پارلمان کانادا در شهر آتاوا برگزار شد. این حرکت مبارزاتی در ساعت یک بعد از ظهر با حضور بیش از ۷۰ نفر شروع شد. تظاهر کنندگان در جریان این حرکت، با بلندگوهای که به همراه برده بودند، در رابطه با جنایات رژیم برای مردم توضیح داده و توجه افکار عمومی را نسبت به خطری که جان زندانیان سیاسی را تهدید می کند جلب نمودند. آن ها از شکنجه های وحشیانه دژخیمان جمهوری اسلامی سخن گفته و در مورد این واقعیت که چگونه هر روز جنازه های شکنجه شده زندانیان که یا در سیاهچال های رژیم کشته شده اند و یا جسد آن ها در مناطق مختلف پیدا شده و به خانواده ها تحویل داده می شوند، اطلاع رسانی کردند. محل آکسیون با نرها و پلاکاردهایی افشاگرانه در مورد جنایات رژیم جمهوری اسلامی تزیین شده بود که نظر اکثر عابریں را به خود جلب می کرد. در یکی از این پلاکاردها به زبان انگلیسی نوشته شده بود: "از قیام مردم ایران دفاع کنید. از ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹ تاکنون نفر بیش از هزار نفر توسط رژیم کشته شده اند، بیش از ۸۰۰۰ نفر زخمی و بیش از ۱۵۰۰۰ نفر دستگیر شده اند." در مجموع، این آکسیون که با حضور فعالین شهرهای تورنتو، مونترال و آتاوا شکل گرفته بود و یکی از فراخوان دهندگانش، فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در کانادا بودند، با موفقیت برگزار و به پایان رسید. تعداد بسیاری از عابریں با تظاهرکنندگان اظهار همدردی کرده و حمایت خود را از مبارزات مردم ایران اعلام می کردند. برخی از آن ها تأکید می کردند که آن چه که از تظاهرکنندگان در رابطه با مبارزات مردم ایران شنیده اند را در محیط کار و زندگی و رسانه های محلی خود به دیگران منتقل خواهند کرد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد رزم دلاورانه خلقهای ایران

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در کانادا- دسامبر ۲۰۱۹

که تا آخرین نفس ، کوشیم و بشکنیم ، دیوار این قفس ، در ره آزادی ایران !



شانزده آذری دیگر فرا رسید و سردی سخت جان پاییزی، مغلوب گرمای جانبخش ناشی از جنب و جوش بهاری دانشجویان مبارز در این روز در دانشگاه های ایران شد. دانشجویان آگاه و دلیر ایران، به رغم تمامی محدودیت ها و خطرات امنیتی و جانی بر زندگی شان، ناشی از سلطه خونین دیکتاتوری امپریالیستی حاکم، بار دیگر

تا آن جا که در توانشان بود با اعتراضات و تجمعات در داخل دانشگاه، این سنگر آزادی، خاطره پیشروان و سمبل های دلیر جنبش دانشجویی یعنی شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا را پاس داشتند و پرچم مبارزه علیه نظام وابسته حاکم را که با خون هزاران دانشجوی مبارز در دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی رنگین شده است را همچنان در اهتزاز نگاه داشتند.

امسال (۱۳۹۸) نیز به رغم تمامی تمهیدات مقامات جمهوری اسلامی، از دستگیری و بازداشت دانشجویان پیش از ۱۶ آذر گرفته تا فرستادن ایادی خویش تحت نام مخالف به درون صفوف دانشجویان و تلاش برای سردادن شعارهای برخا اصلاح طلبانه، اما توده دانشجویان آگاه و مبارز، از جمله در پلی تکنیک تهران فریاد زدند: "دانشجو، کارگر اتحاد، اتحاد"، "از هفت تپه تا تهران، زحمتکش در زندان"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "تبعیض جنسیتی محکوم است"، "بیگاری، بیکاری، حجاب زن اجباری"، "توپ تانک مسلسل، دیگر اثر ندارد". در دانشگاه آزاد اصفهان و در مراسمی که یکی از تبهکاران شناخته شده یعنی ضرغامی، رییس سابق دستگاه دروغ پراکنی حکومت، صدا و سیما، در آن شرکت کرده بود، یکی از دانشجویان متنی خواند که با تشویق پر حرارت دانشجویان روبرو شد. در این متن با تاکید بر شعار "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا" تلاش های ضد انقلابی حکومت گران برای سوار شدن بر جنبش دانشجویی، در مقابل دیدگان آن ها یکبار دیگر به سخره گرفته شد. در دانشگاه زنجان، دانشجویان با زدن چسب بر دهانشان به عنوان تجلی حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، ترانه جمعه با صدای فرهاد که به مثابه ترانه ای در مورد رستاخیز سیاهکل، معروف است را پخش کردند.

در دانشگاه تهران نیز به رغم جو شدید امنیتی، دانشجویانی که روی خود را پوشانده بودند فریاد می زدند: "آبان ماه امساله، کشتار میدان ژاله". آن ها همچنین با حمل پلاکاردهای سرخ و شعارهایی راجع به اتحاد مبارزات کارگران و خلق های تحت ستم در ایران و شیلی و لبنان و فرانسه و... با هدف سرنگونی "نئو لیبرالیسم"، شعارهای روشنی نیز علیه هرگونه چشم داشت به قدرت های امپریالیستی جهت سرنگونی جمهوری اسلامی را سردادند.

بخشی از شعارهای دانشجویان چنین است: "علینزاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد"، "مجاهد و پهلوی، دو دشمن آزادی"، "سرکوب پایان راه نیست، مقاومت زندگی است"، "جواب ما تفنگ نیست، این همه کشته کم نیست"، "فضایه جلادان، مقدمتان خون باران". از دیگر شعار های دانشجویان "فقر، کشتار، گرانی، مردم شدند قربانی"، "ستاره در پرورده، دانشجویان در بنده"، "اساتید اساتید، حرف بزنید نترسید"، "استادامون ذلیلند، ذلتو می پذیرند"، "خیابونا خونی شد، آزادی قربانی شد"، "دانشجو آگاه است با کارگر همراه است"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان میمانیم"، "نان، کار، آزادی، اداره شورائی"، "اسلحه ها به سمتون، مرگ برآه لقمه نون"، "آبان ادامه دارد، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد".

و بالاخره در ۱۶ آذر امسال، در حالی که هنوز کارگران، زنان، جوانان ما در کشاکش موج نوینی از یکی شورش قهرآمیز توده ای برای سرنگونی این رژیم در حال التیام زخم های خویش و تجدید نیرو برای خیزشی دوباره به دشمنانشان هستند، در دانشگاه نوشیروانی بابل که در محاصره مزدوران رژیم و لباس شخصی ها بود، دانشجویان بار دیگر با خواندن سرود های کمونیستی مثل "سرود خون ارغوانها"ی چریک های فدایی خلق، یک صدا ندای دل انگیز و امید بخش "ستاره ستیزد و شب گریزد و صبح روشن آید" را سردادند و با این سرود بر چشم انداز غیر قابل تردید پیروزی اردوی پی شمار گرسنگان بر سرمایه داران استثمارگر و حامیانشان تاکید گذاردند. امسال فضای دانشگاه های کشور ما مصداق سرود با مسما ۱۶ آذر بود که نغمه سر می دهد "بار دیگر شانزدهم آذر، آمد و سر به سر، بر قلوب مردم شعله افکند"... امسال به رغم تلاش های دشمن، دانشجویان نشان دادند که دانشگاه همچنان سنگر پر تپش انقلاب رهایی بخش ایران است. درود بر دانشجویان مبارز! درود بر دختران و پسرانی که دانشگاه به لطف وجود گرمی بخش شان و به لطف سنت های درخشان مبارزاتی ۱۶ آذر که روشنی بخش راهشان بوده و می باشد، همچنان امید مردم ایران، امید کارگران و خلقهای تحت ستم، امید کودکان کار و امید گرسنگان شورشی در مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

هر چه مستحکمر باد همبستگی مبارزاتی دانشجویان با کارگران !

جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد!
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
هر چه پر خروش تر باد مبارزات مردم ایران برای "نان، مسکن، کار و آزادی"!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!

زنده باد انقلاب!

چریکهای فدایی خلق ایران

هفدهم آذر ۱۳۹۸ - هشتم دسامبر ۲۰۱۹

گزارشی از آکسیون آمستردام در دفاع از جان دستگیر شدگان قیام آبان ماه

بدنبال فراخوان "کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران - هلند"، برای دفاع از خیزش گرسنگان کشورمان و دفاع از جان و امنیت دستگیر شدگان این قیام مردمی توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۸ دسامبر ۲۰۱۹، تعداد قابل توجهی از ایرانیان مقیم آمستردام و فعالین سیاسی این شهر و شهرهای دیگر، در یک آکسیون افشاگرانه در مقابل دفتر سازمان عفو بین المللی شرکت کردند. تظاهر کنندگان با به نمایش درآوردن بنرهای بزرگ حاوی شعار "نابود باد جمهوری اسلامی"، "مرگ بر امپریالیسم، زنده باد سوسیالیسم" و ... ضمن پخش اطلاعیه هایی به زبان هلندی و فارسی، به افشاکاری علیه جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علیه مردم ایران پرداخته و خواهان حمایت و دفاع افکار عمومی از جان هزاران تن از جوانان قیام کننده شدند که هم اکنون در زیر شکنجه های دژخیمان جمهوری اسلامی و در چنگال آنان اسیر می باشند. تظاهر کنندگان همچنین با سردادن شعارهایی به زبان انگلیسی و فارسی نظیر: "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته، نابود باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" و ... خشم و نفرت خود از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته و توجه عابریں را به تجمع اعتراضی خود جلب می کردند. شایان ذکر است که در جریان این حرکت، مقامات دفتر سازمان عفو بین الملل با توجه به اشغال این دفتر توسط تظاهر کنندگان در سال های قبل، خواستار صحبت با نمایندگان تظاهر کنندگان شدند و بعد از گفتگو، وعده دادند که در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در هلند تظاهراتی را در دفاع از دستگیر شدگان و با خواست آزادی آنان سازمان خواهند داد. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند که از زمره نیروهای کمیته فراخوان دهنده این حرکت اعتراضی بودند با پرچم خود در این حرکت شرکت داشتند. این آکسیون در ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه روز چهارشنبه آغاز و پس از حدود یک ساعت و نیم با موفقیت پایان یافت.

تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۹

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران آمستردام - هلند

ملاحظات در باره مراسم روز دانشجوی ۱۳۹۸ در دانشگاه تهران



ام که چه برخوردهای کینه توزانه و نازلی با این دانشجویان شده است. این برخوردها و مخالفت ها با شعار های آن دانشجویان ، واقعا هم تعجب بر انگیزه ، خوب تعدادی دانشجوی مبارز ، مخالفتشان را با برخی نیرو ها در صفوف مخالفین جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. کجای این کار ابراداره؟ دانشجویانی به دمکراتیک ترین روش، موضع خود را نسبت به نیروهایی که مدعی مخالفت با جمهوری اسلامی هستند را اعلام کرده اند. چرا نباید چنین می کردند؟ یکی از مخالفین دانشجویان رادیکال ، فرقه ای موسوم به "حزب کمونیست کارگری" است که نه حزب است، نه کمونیست و نه کارگری! این خود چپ خوانده های هپروتی که اسرائیل را دمکراتیک ترین کشور خاورمیانه قلمداد کرده اند، حالا درک نازل خودشون از قواعد دمکراسی را با برجستگی مقابل مردم قرار می دهند. این به اصطلاح چپ ها که برای کوبیدن دانشجویان مبارز ما چیزی در چنته ندارند ، این اتهام را به دانشجویان می زنند که از قرار دانشجویان با سردادن این شعار معتقدند که "سرنوشت جامعه در جنگ میان آلترناتیوها تعیین خواهد شد!" اتهام بسیار مضحکی که با ده من سریشم هم به دانشجویان مبارز ما نمی چسبد. می توان دن کیشوت وار برای خود سیبل درست کرد و به آن حمله کرد ، اما این تشبیهات ربطی به دلائل دانشجویان ما در سر دادن این شعار ندارند. هر تازه کار میدان سیاست هم می داند که سردهندگان این شعار بر این باور نیستند که سرنوشت جامعه که در جنگ مردم با جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست اش تعیین می شود را می توان از طریق دعوای نیرو های مدعی جایگزینی رژیم تعیین نمود.

آن هایی که در موارد قبلی با ادعای این که نباید "اپوزیسیون اپوزیسیون شد" با شعار دانشجویان علیه مسیح علی نژاد که همکاری با آمریکا را کتمان نمی کند ، مخالفت می کردند. امروز هم با شعار

نوضیح پیام فدائی: همان گونه که می دانید، مراسم ۱۶ آذر امسال (۱۳۹۸) در دانشگاه تهران و شعار هایی که دانشجویان فریاد زدند ، با عکس العمل های گوناگونی مواجه شد. نیروها و افرادی در صفوف اپوزیسیون به مخالفت و تخطئه شعار های دانشجویان پرداختند. با توجه به اهمیت حرکت دانشجویان در فضای امنیتی کنونی و بازتاب های این حرکت ، از رفیق فریبرز سنجرى خواستیم که نظرشان را در این مورد با خوانندگان پیام فدائی در میان بگذارند.

پرسش: رفیق سنجرى با درود های فراوان. همان طور که می دانید برخی از شعار هایی که در مراسم روز دانشجو در دانشگاه تهران از سوی دانشجویان سر داده شدند ، از جمله شعار "مجاهد، پهلوی ، دو دشمن آزادی" با مخالفت هایی روبرو شد و جریان موسوم به حزب کمونیست کارگری ، مدعی شد که چون سلطنت طلبان و مجاهدین در اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی قرار دارند ، طرح شعار علیه آن ها درست نبوده است. شما این مساله را چگونه می بینید؟

پاسخ: با درود به شما و خوانندگان عزیزتان. قبل از هر چیز بگذارید درود های صمیمانه خودم را به جوانانی ابراز کنم که در زیر سلطه خونین دیکتاتوری حاکم و بعد از قتل عامی که دژخیمان رژیم در آبان ماه در سراسر ایران به راه انداختند ، به فضای رُعب و وحشت جمهوری اسلامی تن نداده و روز دانشجو را در صحن دانشگاه گرمی داشتند. به دانشجویانی که در شرایط دستگیری های روزمره و اخبار شکنجه و کشتار بازداشت شدگان قیام آبان ماه، در میتینگ خود در دانشگاه فریاد زدند: "آبان ادامه دارد، حتی اگر شب و روز ، بر ما گلوله بارد". اما در مورد پرسشی که کردید باید تاکید کنم که بله من هم خواننده و شنیده

"مجاهد ، پهلوی ، دو دشمن آزادی" از در مخالفت در آمده اند. این ها با ادعای ضرورت تمرکز همه نیرو ها علیه سرنگونی جمهوری اسلامی ، نیرو های رژیم چنجی یعنی آن هایی که خواهان تغییر جمهوری اسلامی به کمک و قدرت امپریالیست ها می باشند را زیرکانه جزء نیرو های سرنگونی طلب اما جناح راست این نیروها جا می زنند و دیگر به روی خود نمی آورند که نیرویی مثل سلطنت طلبان که همین فرقه به اصطلاح حزب کمونیست کارگری با آن ها همکاری دارند ، خودشان هم انکار نمی کنند که چشم امیدشان برای رسیدن به قدرت، به تصمیم و حمایت امپریالیسم آمریکا وابسته است. مجاهدین و سلطنت طلبان گر چه خواهان تغییر جمهوری اسلامی و قدرت گیری خودشان هستند اما در واقع جزء نیرو های سرنگونی طلبی نیستند که هدفشان از سرنگونی جمهوری اسلامی ، رسیدن به آزادی و دمکراسی و رفاه و بقیه خواست های اساسی مردم می باشد. بنابراین در شرایط کنونی و در عمل ، چه اتحاد عملی می تواند بین نیرویی که چشم امیدشان را به امپریالیست ها بسته و در صورت قدرت گیری می خواهد همین سیستم سرمایه داری حاکم که عامل اصلی فقر و فلاکت مردم است را حفظ کند و وضعی را سبب می شود که کاملاً علیه مردم می باشد ، با نیرو های انقلابی که به قدرت مردم خودشان متکی هستند وجود داشته باشد؟ این ها که خودشان را چپ هم می نامند ، در عملشان و با این تئوری پردازی ها نشان می دهند که چپ آمریکایی هستند. در حالی که باید با صراحت به مردم گفت که همه بار انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی زمانی واقعیت پیدا می کنه که این سرنگونی به قدرت توده ها و با رهبری طبقه کارگر انجام شود و گرنه مردم ما در تجربه خود به عینه دیده اند که رژیم شاه سرنگون شد ولی چون سیستم سرمایه داری پا برجا ماند ، نه تنها هیچ یک از خواست های مردم تحقق نیافت ، بلکه بر عکس با قدرت گیری دار و دسته خمینی ، رژیمی به قدرت رسید که در چپاول دسترنج کارگران و ستمدیدگان و سرکوب توده ها از رژیم شاه هم پیشی گرفته است.

خلاصه کنم ، دانشجویان در شرایط کنونی با شعارشان موضع گیری درستی اتخاذ کردند و انتقادات چنین نیرو هایی هیچ پایه واقعی ندارد. سرنگونی جمهوری اسلامی وسیله ایست برای رسیدن کارگران و زحمتکشان به مطالبات اصلی شان. بنابراین هدف ، صرفاً سرنگونی این رژیم ددمنش نیست. هدف رسیدن به مطالبات اساسی توده هاست که جمهوری اسلامی مانع عمده آن می باشد. اگر چنین هدفی را در مقابل مبارزات مردم قرار دهیم ، آن گاه روشن می گردد که هیچ توافقی بین نیرو های انقلابی با نیرو هایی که برای رسیدن به قدرت ، چشم امید به قدرت های جهانی بسته اند ، وجود ندارد و عدم توجه به این امر عملاً باعث می شود که چنین نیرو هایی با مخدوش کردن صف نیروها ، خاک

حال نباید اجازه داد که دو باره این داستان تکرار شود. اگر درک از اتحاد چنین است که این نه اتحاد بلکه "همه با هم" و عملاً هم "همه با من" منی که قدرتمند تر است، می باشد. از آن جا که چپ های آمریکایی برای جا انداختن نظرات غیر انقلابی خود به لنین هم استناد می جویند ، بد نیست در همین جا تاکید کنم که لنین در حالی که بورژوازی روسیه را در مقابل استبداد فئودالی، جزء نیرو های انقلاب بورژوا دمکراتیک روسیه می دانست ، اما لحظه ای از افشای برنامه ها و ناپیگیری های بورژوازی روس باز نمی ماند.

پرسش: رفیق سنجرى ، همان طور که می دانید شعار های دیگری هم در دانشگاه مطرح شد که صحبت در باره آن ها را می گذاریم برای گفتگوی دیگری. لطفاً اگر صحبت دیگری دارید بفرمائید.

پاسخ: بگذارید در پایان این بحث ، این نکته را هم اضافه کنم که در ۱۶ آذر امسال بیش از ۲۳۰ درخواست مراسم ، مطرح شده بود و این خودش نشاندهنده گستردگی دانشگاه ها و مراکز علمی در سطح کشور و تنوع اندیشه ها و مواضع گوناگون در سطح دانشگاه ها می باشد. بنابراین در بررسی جامع اوضاع باید به این تنوع دقت داشت. این گفتگو بیشتر حول ایراد به یک شعار مشخص دانشجویان در دانشگاه تهران پیش رفت. با این توضیح لازم می بینم در خاتمه اضافه کنم که این چپ های آمریکایی موجودات عجیبی هستند در حالی که تا دیروز در جنبش خلق گرد مدعی بودند که جمهوری اسلامی و حزب دمکرات هر دو بورژوا و دو ضلع مثلثی هستند که ضلع سومش کومله یعنی نماینده کارگران می باشد و وظیفه این کومله را جنگ با دو ضلع دیگر مثلث قلمداد می کردند، آن هم در شرایطی که حزب دمکرات نه تنها در "اپوزیسیون" رژیم قرار داشت بلکه با جمهوری اسلامی می جنگید، امروز از هول حلیم توی دیگ افتاده اند. خودشان با ارتجاعی ترین نیرو ها از امپریالیسم آمریکا گرفته تا سلطنت پهلوی دست همکاری می دهند و اگر هم کسی به متحدین آن ها کوچکترین ایرادی بگیرد ، صدایشان در می آید که چرا به وحدت نیرو های اپوزیسیون لطمه وارد می کنید! و اپوزیسیون اپوزیسیون شده اید و به این بهانه دانشجویان مبارز را آماج حملات خود قرار می دهند. حملات بی ارزشی که تلاش می شه با لفافه های سرخ نمایش داده بشه تا اهمیت جایگاهشان در صفوف نیرو های "رژیم چنج" بالا برود. اما همه واقعیات نشان می دهند که آن ها نه چپ ، بلکه چپ آمریکایی هستند و نه سرخ بلکه صورتی هستند. البته صورتیشان از پلنگ صورتی هم کمرنگ تره.

پیام فدایی: با تشکر بسیار از شما

رفیق سنجرى: سپاس که چنین فرصتی را مهیا نمودید.

انکار ناپذیر است. همان طور که می دانید آن ها اخیراً همچون نیروهای چپ، تظاهراتی علیه جمهوری اسلامی در خارج از کشور برپا کردند و در این تظاهرات ، آگاهانه به ایجاد اغتشاش در میان نیروهای چپ می پردازند. برای نمونه در تظاهراتی که در لندن انگلستان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد، سلطنت طلبان تلاش کردند به قسمتی که نیرو های انقلابی و از جمله فعالین چریکهای فدائی خلق ایران ایستاده بودند ، آمده و درگیری ایجاد کنند که البته با هوشیاری این نیرو ها تیرشان به سنگ خورد.

پرسش: چپ آمریکایی با مخالفتش با شعار "مجاهد، پهلوی ، دو دشمن آزادی" از طرف دانشجویان در مراسم ۱۶ آذر دانشگاه، عملاً نشان داد که درکش از اتحاد همان تر "همه با هم" می باشد. بر مبنای این تر نیروها نباید علیه مواضع همدیگر و در این جا علیه مجاهدین و یا سلطنت سخنی بگویند چون فعلاً مساله اصلی سرنگونی دیکتاتوری حاکم است. آیا این مدافعین جدید تر "همه با هم" قصدشان این نیست که همین داستان را البته در ذهنشان بار دیگر تکرار کنند؟ نظر شما در این مورد چیست؟

پاسخ: به نکته درستی اشاره کردید. صرف نظر از این که در شرایط کنونی هیچ اتحادی بین نیروهای مترقی و انقلابی با مجاهدین و سلطنت طلبان جایز نیست، اما به طور کلی، بر عکس نظر چپ آمریکایی اتفاقاً هیچ اتحادی به معنای سکوت در مقابل مواضع نیرو هایی که با هم متحد شده اند ، نیست. معنای اتحاد اصلاً به معنای سکوت در باره برنامه های دیگران نیست. اتحاد بین نیرو های سیاسی را نباید به سطح ترورشکسته "همه با هم" سالهای ۵۶ و ۵۷ نزول داد. تصور کنید که فردا سیر شرایط عینی ، اتحادی بین نیرو های انقلابی را شکل دهد ، مگر در این صورت همه نیرو های متحد باید هیچ کلامی در باره برنامه ها و سیاست های نیرو های دیگر نگویند؟ اگر درک ما از اتحاد چنین باشد که عملاً اتحادی شکل نخواهد گرفت. مگر دانشجویان ما چه گفته اند که چپ های آمریکایی چنین برآشفته شده اند؟ و دانشجویان مبارز را به "همراهی با خامنه ای" متهم می کنند! آیا امپریالیست ها در کل و در این مورد مشخص امپریالیسم آمریکا ، دشمن مردم ما و دشمن آزادی مردم ما نیستند؟ آیا نباید به مجاهدین و سلطنت طلبان گفت که شما برای رسیدن به قدرت ، با چشم دوختن به حمایت امپریالیسم آمریکا ، علیه آزادی مردم ما عمل می کنید؟

تجربه سال ۱۳۵۷ نشان داد که سکوت و عدم انتقاد از نیروهای موجود در صفوف مخالفین رژیم شاه و "همه با هم" تنها به نفع دار و دسته خمینی تمام شد. در نتیجه

به چشم مردم ما بباشند. بنابراین روشن بگم چنین نیرو هایی که بهتر است آن ها را همان چپ آمریکایی بخوانیم مساله شان رهایی کارگران و ستمکشانشان نیست. در یک شرایط "رژیم چنج" ، این ها با چنین تزهایی دارند راه رسیدن به یک جایگاهی را برای خود هموار می کنند. بی دلیل نیست که چپ آمریکایی "خواست سرنگونی نظام اقتصادی" به دلیل اهمیت "سرنگونی حکومت" را بی ربط با مبارزات مردم قلمداد می کند!

پرسش: نیرو هایی که نام "چپ و کارگری" هم روی خودشان گذاشته اند ، چرا این قدر برای اتحاد با سلطنت طلبان سینه چاک می دهند؟ جدا از دیکتاتوری وحشیانه سلطنت پهلوی در زمان رضا شاه و محمد رضا شاه، برخورد های بغایت غیر دمکراتیک سلطنت طلبان هنوز به قدرت نرسیده ، آیا جلوی چشم همه قرار ندارد؟

پاسخ: این چپ آمریکایی در طول سال ها و در عرصه های مختلف ، به دلیل نقش مخربش در جنبش انقلابی، شدیداً افشاء و ایزوله شده است. مثلاً می توان به نقش مخرب آن ها در اواسط دهه ۶۰ در تشویق پیشمرگان کومله به جنگ با حزب دمکرات که بخشی از جنبش خلق گرد بود، اشاره کرد. یا از تأیید آمریکا در اشغال افغانستان و جنگ لیبی سخن گفت و یا به ضدیتشان با مساله حق ملل در تعیین سرنوشت خود و مواضع ضد انقلابی دیگر آنان اشاره کرد و از ترویج سیاست زن ستیزانه برهنگی تا دنباله روی و تأیید موسوی تبهکار در جریان رویدادهای سال ۱۳۸۸ را ذکر کرد. چنین برخوردهائی به نفع ارتجاع ، از طرف این چپ آمریکائی باعث شده است که آن ها در میان نیرو های انقلابی جایگاهی برای خود نبینند و از آن جا که باوری هم به قدرت توده ها ندارند تصور می کنند که سلطنت، آلترناتیو آمریکا برای جایگزینی جمهوری اسلامی می باشد. این جریان با این تزها و همکاری های منتج از آن ها با سلطنت طلبان ، به زعم خود دارد آینده خودش را بیمه می کند. از سوی دیگر رادیکالیسم خیزش ها و حرکات داخل کشور که درست علیه مواضع چنین نیرویی می باشد ، آن چنان آن ها را دچار ترس نموده که با شتاب به سوی امپریالیست ها گام بر می دارند و با مقامات آن ها عکس یادگاری می گیرند. چرا که قادر به بازنگری سیاست های غیر مردمی خودشان نیستند. در فرهنگ آن ها امپریالیسم واژه دمّده ای شده و آن ها به جای این واژه از عبارت قدرت های جهانی استفاده می کنند که کم خطر تر می باشد و حساسیتی را سبب نمی شود ، چرا که این عبارت هیچ ضدیتی علیه امپریالیسم ، به مثابه فاز بالای سرمایه داری را نشان نمی دهد.

در پرسش تان به برخورد های انحصار طلبانه سلطنت طلبان اشاره کردید که واقعیتی

پیگیری فرخ نگهدار

در دفاع از

جمهوری اسلامی



فرخ نگهدار در صف رای دهندگان در انتخابات حکومت جنایت
پیشه جمهوری اسلامی در لندن - سال ۲۰۱۷



مواضع فرخ نگهدار در رهبری سازمان در سال ۱۳۶۰

اما علیرغم این سابقه تاریخی، امروز رسانه های امپریالیستی در ضدیت با توده های تحت ستم و در جهت تحریف تاریخ، فرخ نگهدار را برای نسل جوان امروز یکی از برپا کنندگان و بوجود آورندگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران جا می زنند، به عنوان یک نمونه رجوع کنید به صدای آمریکا برنامه ای در ارتباط با رستاخیز سیاهکل به تاریخ هشت فوریه ۲۰۱۲. در حالی که فرخ نگهدار نه تنها هیچگونه نقشی در شکل گیری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نداشته است، بلکه هیچ ارتباطی هم با این سازمان در دوره ای که چریکهای فدایی خلق جان بر کف علیه رژیم شاه مبارزه مسلحانه می کردند، نداشت.

رفقائی که دست اندر کار بر پایی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بودند از سال ۱۳۴۶ در شرایط اختناق حاکم، بطور مخفیانه به مدت چهار سال بطور سیستماتیک به تحقیق شرایط عینی جامعه و ارائه تحلیل تئوریک از آن پرداخته و موفق به ارائه تئوری انقلاب ایران گشته و بر اساس آن دست به عملیات مسلحانه زدند. توضیح کامل روند طی شده در سایت سیاهکل (<http://siahakal.com/>) قابل دسترسی است. بر کسی پوشیده نیست که فرخ نگهدار در هیچ کجا و در هیچ مقطع از این روند شکل گیری سازمان وجود نداشته است. در گروه جنگل نیز که در سال ۱۳۴۷ توسط رفقای کمونیست جان بر کف به عنوان بخش دیگری از تشکیل دهندگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به وجود آمد، در آن جا هم هیچ اثر و رد پایی از فرخ نگهدار دیده نمی شود. اساساً فرخ نگهدار هرگز پتانسیل انجام عملیات انقلابی که رفقای جنگل معرف آن بودند را نداشته است. اما همان طور که اشاره گردید، امروز رسانه های امپریالیستی مانند بی بی سی، صدای آمریکا و غیره فرصت یافته اند تا فرخ نگهدار را یکی از پایه گذاران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران جا بزنند.

فرخ نگهدار این چهره خائن جنبش که در طی چهل سال گذشته مردم مبارز گردستان، ترکمن صحرا و ... را قربانی مسلح شدن سپاه پاسداران به سلاح های سنگین کرد، جز خیانت و فریبکاری، آدم فروشی و غیره کارنامه ای دیگر در جنبش انقلابی مردم ایران ندارد و امروز هم آشکارا

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در سخت ترین شرایط با مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و پایگاه داخلیش در جامعه ایران با رنج و خون بهترین فرزندان این مرز و بوم بوجود آمده بود و به اعتبار صداقت و عملکردهای انقلابی خود از پشتیبانی عظیم توده های مردم در صحنه سیاسی جامعه بر خوردار گشته بود، با نفوذ رفرمیست ها و اپورتونیست های خائن بعد از قیام بهمن، مسیر سازشکاری با جمهوری اسلامی را در پیش گرفت و رهبری آن که فرخ نگهدار در رأسشان قرار داشت، بخش بزرگی از این سازمان را در منجلاب ضد انقلاب فرو بردند.

اگر نگاهی هر چند کوتاه به کارنامه سیاه فرخ نگهدار، این عنصر خائن و منفور که در رهبری سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بود بیندازیم، خواهیم دید که او در نیمه اول دهه چهل، در مبارزات صنفی دانشگاه شرکت داشته و از آن جا که با گروه رفیق جزئی مرتبط بود، همراه اعضای این گروه دستگیر شد. فرخ نگهدار در سال ۱۳۴۷ در دادگاه به پنج سال زندان محکوم شد ولی او در سال ۱۳۴۹ بدلیل نوشتن ندامت نامه به درگاه شاه در تاریخ چهارم آبان به مناسبت تولد آن دیکتاتور، مورد عفو ملوکانه قرار گرفت و از زندان آزاد شد. همین کارنامه از گذشته فرخ نگهدار آشکارا نشان می دهد که او ربطی به چریکهای فدایی خلق نداشته است. وی صرفاً در شرایط ضعف کامل مرکزیت باقیمانده سازمان پس از ضربه های سال ۵۵ و در شرایطی که رژیم شاه در آستانه سقوط قرار گرفته بود، فرصت نفوذ در آن سازمان را یافت و بعد از قیام ۵۷ در رأس آن قرار گرفت. در این زمان او با کمک همپالگی ها و نیروهای نادان و نا آگاه در درون سازمان، سیاست پشتیبانی و حمایت از جمهوری اسلامی را در پیش گرفت و به این نحو سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به پرتگاه برده و از این طریق چنان ضربه ای به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی توده ها وارد نمود که امروز برای ترمیم آن کاری بس دشوار در پیش است.

اخیراً فرخ نگهدار رهبر سابق سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در مصاحبه ای با روزنامه انصاف نیز به پرسش های این روزنامه که تحت نظارت وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی بوده و دفاع از سیاست های ارتجاعی رژیم، جزیی از وظایف این روزنامه می باشد، پرداخته است. در این نوشته به دو مورد از این مصاحبه اشاره خواهد شد. اما قبل از آن لازم میدانم هر چند کوتاه به فعالیت های فرخ نگهدار و حمایت بی چون و چرای او از رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی از بدو بوجود آمدن آن اشاره ای بکنم.

بعد از قیام با شکوه بهمن ماه ۵۷ که رژیم دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم شاه توسط خلق های قهرمان ایران، به گورستان تاریخ سپرده شد، برای مدتی کوتاه توده های مردم نسیمی سرشار از شادی و آرامش را احساس کردند و به راستی آن ها انتظاری جز بهار آزادی را در پس مبارزات قهرمانانه خود نمی دیدند. اما پس از گذشت مدتی کوتاه از قیام بهمن، مردم شاهد سرکوب ها و سیاست های ارتجاعی خمینی و رژیم تازه بقدرت رسیده اش شدند. خمینی که با عوامفریبی و فریبکاری و وعده و وعیدهای بسیاری مانند مجانی شدن آب و برق، برقراری آزادی و دموکراسی در ایران و حتی آزادی بیان برای کمونیست ها و غیره، سعی کرده بود توهمی نسبت به خود برای مردم ایجاد کند، پس از روی کار آمدن رژیمش، سرکوب و دیکتاتوری را تنها پاسخ به خواست های کارگران، زحمتکشان و دیگر توده های مردم قرار داد و به سرکوب انقلاب آنان پرداخت. تا به امروز نیز که چهل سال از حکومت ننگین رژیم جمهوری اسلامی می گذرد، اعمال دیکتاتوری و سرکوب قهر آمیز عمده ترین پاسخ رژیم به توده ها بوده و می باشد.

در مقطع مورد نظر، روند تاریخی دیگری هم شکل گیری خود را بعد از مدت ها پنهان کاری در جامعه نمایان کرد. پس از قیام بهمن ۵۷ و پیروزی توده ها اپورتونیست ها و رفرمیست هایی که در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نفوذ کرده بودند، مانند فرخ نگهدار و همپالگی هایش، سکان این سازمان را در دست گرفتند و به تدریج سیاست های واپسگرایانه و فریبکارانه و اپورتونیستی خود را در جامعه ایران به مردم و نیروهای آگاه و انقلابی شناساندند.

پائی حمام خون در دهه ۶۰، جامعه ایران را دچار مصیبت های زیادی کرد. مصیبت هائی که ننگ آن از پیشانی جمهوری اسلامی نه با تلاش فرخ نگهدار و نه هیچ تلاش مذبحخانه دیگر، پاک شدنی نیست. امروز فرخ نگهدار که به عنوان منفور ترین چهره تاریخ معاصر ایران شناخته شده، در صد تحریف تاریخی وقایعی بر آمده که هنوز انسان های بسیاری از دهه شصت شاهدان عینی آن ها بوده و هستند. انسان های جان به در برده از کشتارهای دهه ۶۰ جمهوری اسلامی که در افشای تحریف تاریخ از طرف خائنین به مردم ایران هر روز صدای فریاد و اعتراض خود را بگوش مردم ایران و بخصوص نسل جوان می رسانند. این هم گفته شود که قبل از آن که اعدام های دهه شصت صورت بگیرد، رژیم به خلع سلاح توده های قیام کننده و بازسازی ارتش پرداخت. این ارتش هنوز کاملاً باز سازی نشده بود که در همان بهار آزادی سنج را به خاک و خون کشاند، آن هم درست وقتی که مردم با شدت و حدت تمام خواهان تحقق مطالبات خود بودند. کشتارهای خلخالی در گوردستان - ترور وحشیانه رهبران ترکمن صحرا - بستن دفاتر و روزنامه های علنی - حمله به ستاد سازمان های سیاسی، فجایع قبل از دهه شصت بودند و به طور کلی صدها سند تاریخی وجود دارند که جنایات تاریخی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در آن ها به ثبت رسیده اند. در نتیجه نمی توان فجایع به وجود آمده در دهه ۶۰ توسط جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم را از گرده جمهوری اسلامی برداشت و بخشی از آن را به گرده نیروهای مبارز مخالف این رژیم انداخت.

مورد دوم در مصاحبه انصاف نیوز وابسته به رژیم جمهوری اسلامی با فرخ نگهدار که در این جا مورد بحث من می باشد، این است که فرخ نگهدار، حق فعالیت آزادانه و آزادی بیان همه نیروهای سیاسی در رسانه ها را در "چارچوب قانون اساسی" از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خواستار گردیده است.

فرخ نگهدار چنین می گوید: "من حکومت را موظف می دانم حق فعالیت آزادانه و آزادی بیان همه نیروهای سیاسی در رسانه ها را در چارچوب قانون اساسی و حق گفت گو در رسانه ها را برای همه گرایش های سیاسی تضمین کند. ایران متعلق به همه ایرانیان است. تفاوت ها باید به رسمیت شناخته شود. بحث ها در این برهه حساس، روی چگونگی پاسداری از منافع مردم و کشور متمرکز گردد."

واقعیت این است که ضرورت تدوین قانون اساسی، بوسیله خمینی و یارانش در پاریس مطرح گردید و در همان جا پیش نویس اولیه قانون اساسی تهیه گردید. این

اگر بخواهیم مصائب دهه شصت را یاد آوری کنیم که جزئی از مهمترین و حساس ترین لحظات تاریخی کشور مان محسوب می گردد، باید به یکی از مهمترین مسأله ای که کنفرانس گوادلوپ به آن اختصاص داده شد تأکید شود که همانا خواست امپریالیست ها مبنی بر سرکوب انقلاب ایران توسط رژیم جانشین شاه یعنی جمهوری اسلامی می باشد. این همان طرحی بود که در دهه ۶۰ در دستور کار سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و به حیطه اجرا گذاشته شد. کنفرانس مزبور به تاریخ چهارم تا هفتم ژانویه ۱۹۷۹ (از چهاردهم تا هفدهم دیماه ۱۳۵۷) با شرکت رهبران چهار کشور ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان در جزیره گوادلوپ برگزار گردید. چهار کشور نامبرده در محاسبات خود به این نتیجه رسیدند که با انقلاب ضدامپریالیستی و ضد سلطنتی خلق های قهرمان ایران علیه رژیم شاه، دیگر امکانی برای بر سر قدرت نگه داشتن شاه خائن وجود ندارد. در نتیجه این چهار قدرت بزرگ امپریالیستی با توطئه ها و دسیسه هایی که ذاتی موجودیت امپریالیسم می باشد، قدرت سیاسی را به دار و دسته خمینی که یکی از آلترناتیوهای آنان بوده سپردند تا ضمن سرکوب انقلاب مردم، سیستم سرمایه داری وابسته در ایران را این بار با پوشش مذهبی حفظ و تداوم دهند. سیستم وابسته ای را که امپریالیست ها از آن طریق بیشترین سود را به قیمت تشدید فقر و فلاکت توده ها نصیب خود می سازند.

در این جا افشای مذاکرات خمینی و اطرافیانش از جمله قطب زاده، بنی صدر و یزدی در نوفل لوشاتو با رمزی کلارک و مامورین آمریکایی و نامه شخصی خمینی به کارتر، که آنان سه شرط آمریکا در جهت به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی را پذیرفتند، باید حتما مورد تأکید قرار گیرد. این سه شرط عبارت بودند: ۱- حفظ ارتش بیهوده نبود که در روزهای آغاز قیام، ناگهان شعار ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست در جریان تظاهرات آن روزها شنیده شد. ۲- تولید و صدور نفت، که باید مانند سابق ادامه داشته باشد. در آن زمان کارگران شرکت نفت در اعتصاب بودند و با بستن لوله ها، جریان نفت را به روی امپریالیست ها بسته بودند. ۳- سرکوب و از بین بردن کمونیست ها و همه آزادیخواهان.

پس برخلاف گفته ها و نوشته های فرخ نگهدار که مصائب و مشکلات دهه ۶۰ را بر دوش نیروهای مخالف (مبارز) جامعه می اندازد و آب به آسیاب جمهوری اسلامی و امپریالیسم می ریزد، سیاست کشتار و سرکوب توسط رژیم جمهوری اسلامی از بدو بوجود آمدن این رژیم بوسیله اربابان شان در دستور کار این رژیم قرار گرفته بود و این رژیم جمهوری اسلامی بود که با بر

به جزئی از نظام حاکم تبدیل گشته است. **فرخ نگهدار بعد از قیام بهمین در شرایطی با کمک نیروهائی با خط اپورتونیستی در سازمان در رأس آن فرار گرفت که آن ها با قدرتی که آن سازمان پیدا کرده بود از حضور رفقای معتقد به خط اصلی این سازمان در ثوری های تدوین شده توسط رفقا پویان و احمدزاده، جلوگیری نمودند. این رفقا هر یک از آگاهی و سواد مارکسیستی قابل توجهی برخوردار بودند. در حالی که امروز یکی از رفقای قدیمی فرخ نگهدار (جمشید طاهری پور) افشاء کرده است که فرخ نگهدار در حالی که در رهبری یک سازمان مارکسیستی قرار گرفته بود، حتی یک کتاب لنین را هم از اول تا آخر نخوانده بود. عین گفته او چنین است: "از جمله مشکلات یکی هم این بود که من به او انتقاد می کردم، که این چگونه دبیر اول بزرگترین سازمان مارکسیست لنینیست ایران است که حتی یک کتاب لنین را از اول تا به آخر نخوانده است" (جمشید طاهری پور - سایت اخبار روز).**

با این توضیح کوتاه از فرخ نگهدار و سابقه فعالیت های سیاسی او، اکنون به مصاحبه او که با انصاف نیوز جمهوری اسلامی صورت گرفته است، می پردازیم و همان طور که در بالا اشاره شد، فقط به دو مورد آن اشاره خواهد شد که بیانگر همسویی این فرد با رژیم جمهوری اسلامی و این که او به جزئی جدایی ناپذیر از این نظام تبدیل گردیده است، می باشد. **فرخ نگهدار که رسانه های امپریالیستی، آگاهانه و عوامفریبانه او را فعال سیاسی چپ گرا و رهبر سابق سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (نه صرفاً در شرایط بعد از قیام بهمین) می نامند چنین میگوید: "من همه جا نوشته ام و گفته ام مسولیت مصائبی که در دهه ۶۰ بر کشورم تحمیل شد ... در وهله آخر به عهده آن بخش از گروه های سیاسی مخالف نظام است که تصورات واهی از توان خود و تناسب قدرت در جامعه داشتند". در رابطه با این سخن قبل از هر بحث دیگری بگویم که کسی که در همان دهه ۶۰ کارش لو دادن بهترین فرزندان و نوجوانان کشور ایران به جمهوری اسلامی و کشاندن آن ها به شکنجه گاه های مخوف این رژیم بود، تا چه حد باید فریبکار و وقیح باشد که کلمه "کشورم" را بر زبان می آورد؟ واقعیت این است که کشور و موطن چنین خائنی شرکت کیسون و شرکت های استثمار گر نظیر آن می باشد که بنا بر گزارشاتی رد پای وی در آن ها دیده می شود. (*) فرخ نگهدار یکی از مهمترین مجرمان سیاسی ایران است که مردم ایران در دادگاه های خلقی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به جنایت ها و خیانت های او خواهند پرداخت.**

کیسون محمدرضا انصاری ، دایی "فرخ نگهدار" از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران است و فرهاد نگهدار برادر وی و از اعضای پیشین این سازمان نیز مدیر عامل شرکت تولید مصالح ساختمانی "ویما" است که از شرکت های اصلی زیر مجموعه کیسون به شمار می رود.

آن گونه که منابع وابسته به بخش انشعابی سازمان فدائیان خلق ادعا می کنند ، خود فرخ نگهدار نیز در کیسون فعال است و بر امور خارج از ایران این شرکت نظارت می کند". همچنین در ویکی پدیا در مورد این شرکت چنین نوشته شده است: "کیسون از شرکت های بزرگ ساختمان سازی ایران است. این شرکت هفت بار در سال های ۱۳۷۹ ، ۱۳۸۷ ، ۱۳۸۶ ، ۱۳۸۰ ، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی و مهندسی در ایران انتخاب شده و در سال ۲۰۱۵ در زمره ۱۰۰ پیمانکار برتر جهان قرار گرفته است. کیسون در سال ۱۹۷۵ تاسیس شده است این شرکت در ونزوئلا ۱۰ هزار واحد مسکونی ساخته است. کیسون در بلا روس پروژه های ساختمانی اجرا می کند. رئیس هیئت مدیره شرکت کیسون محمدرضا انصاری است".

اکبر نوروزی
آبان ۱۳۹۸

می کند تا به نقطه جهش برسند. در چنین شرایطی است که فرخ نگهدارها و... از ترس انقلاب توده ها که خواهان سرنگونی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی باشند ، همچون بقیه اصلاح طلبان حکومتی از حق فعالیت آزادانه در چارچوب قانون اساسی سخن می گوید ، آن هم با توجه به ماهیتش ، تنها برای این که مرتجعی چون خود او بهتر بتوانند توده ها را به مسیر های انحرافی بکشاند و چند صباحی دیگر بتوانند بر عمر رژیم بیافزایند. از طرف دیگر در چنین شرایطی است که نیروهای دلسوز طبقه کارگر و همه توده های تحت ستم ایران باید تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی را وظیفه تخطی ناپذیر خود دانسته و در حالی که به افشای تبلیغات عناصر ضد انقلابی ای چون فرخ نگهدار می پردازند به افشاء و روشنگری در مورد تفکرات اپورتونیستی نیز اقدام کنند. انجام این کار ها بیشک در خدمت تسهیل مبارزات مردم قرار دارد. بدون هیچ گونه تردیدی ، سرانجام توده های مبارز ایران ، کلیت رژیم جمهوری اسلامی را مانند رژیم شاه به گورستان تاریخ خواهند سپرد.

زیر نویس:

(* اگر در اینترنت در باره شرکت کیسون جستجو کنید ، به چنین اطلاعاتی دست خواهید یافت: "نکته قابل توجه در مورد شرکت کیسون ، نسبت مدیران آن با یکی از فعالان شناخته شده سیاسی خارج از ایران است. رئیس هیئت مدیره و بنیان گذار

پیش نویس با اصلاحاتی در آذر ماه سال ۵۸ در میان مخالفت نیروهای مترقی و انقلابی جامعه، توسط خود دست اندرکاران رژیم جدید به تصویب رسید. با نگاهی بسیار کوتاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ، بخوبی می توان حلقه های استبداد را در ساختار این قانون اساسی تشخیص داد. بعنوان مثال در اصل چهارم این قانون چنین آمده است: "کلیه قوانین و مقررات مدنی - جزائی - مالی - اقتصادی - اداری - فرهنگی - نظامی - سیاسی - و غیر این هاباید بر اساس موازین اسلامی باشد. معنی موازین اسلامی هم امروز بر همه مردم تحت ستم ایران آشکار است و تاریخ چهل ساله این حکومت ننگین با کشتار - اعدام - زندان - دزدی فساد و قطع دست و قصاص و... بیانگر آن است.

امروز به خصوص پس از قیام های توده ای دیماه ۱۳۹۶ و مبارزات قهر آمیز توده ها با شعار نان، کار، آزادی در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی برای همگان آشکار گشته است که اکثریت جامعه به جز سرسپردگان و کسانانی که منافع اشان در گرو وجود این رژیم منفور می باشد، خواهان بی چون و چرای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می باشند. تضادهای طبقاتی که انعکاس خود را در بطن جامعه در گسترش مبارزات توده ها، در گسترش اعتصابات کارگری به اشکال مختلف ، در گسترش مبارزات دست فروشان و در میان افشار پائینی جامعه نشان می دهند، سیر صعودی خود را طی

برخی ملاحظات در رابطه با قیام از صفحه ۱۷

وقتی معاون سیاسی سپاه پاسداران اعتراف می کنه که :آتش زدن بانک ها و مراکز دولتی که در روزهای پایانی آبان ماه رخ داد، به نسبت رویداد های سالهای ۸۸ و ۹۶ بسیار گسترده تر و بزرگتر بود و یا اعتراضات اخیر بر خلاف گذشته ، نشانگر بروز یک "خشونت سازمان یافته" بود، این ها همه نشون می دن که اکثریت مردم به این نتیجه رسیدند که قهر ضد انقلابی را فقط با قهر انقلابی می شود پاسخ داد. در چنین شرایطی که دشمن، جنگی خونین را به توده ها تحمیل کرده ، مردم را از آتش سوزی ترساندن و یا آن ها را دعوت به "نافرمانی مدنی" کردن و یا به مبارزه مسالمت آمیز دعوت کردن ، نشانه تلاش برای تداوم دیکتاتوری حاکمه که جز با تشدید چپاول و سرکوب کارگران و ستمدیدگان قادر به حفظ سلطه اهریمنی خود نمی باشد.

مورد دیگری که لازمه با تاکید در موردش صحبت کنم اینه که تجربه چهل سال سلطه جمهوری اسلامی ثابت کرده که برغم همه هیاهو های ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی، این رژیم خیلی بیشتر از رژیم شاه وابسته به امپریالیست ها بوده و در جهت پیشبرد برنامه های آن ها گام برداشته.

نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه اگر ببیندیم ، میلیارد ها دلاری که این رژیم در لبنان و عراق و سوریه و یمن و غیره خرج می کند ، صرفا به خاطر پیشبرد برنامه های دیکته شده از سوی اربابانش می باشه نه این که به خاطر کمک به اقتصاد ایران باشه که در بحران غوطه می خوره و همین سیاست ها هر چه بیشتر آن را بسوی ورشکستگی پیش می برند. بی جهت نیست که امپریالیست ها هم با همه امکانات از این رژیم ددمنش حمایت می کنند. اگر به شیوه برخورد آن ها با همین قیام بزرگ اخیر توجه کنیم و نگاه کنیم می بینیم که چطور اخبار فهرمانی های مردم ما را سانسور کردند و همان طور رفتار کردند که جمهوری اسلامی می خواست. تا آن جا که یکی از روزنامه های سوئیس نوشت که: **ایران در آتش می سوزد ولی هیچکس نباید متوجه شود. این سخن به خاطر آن بود که اکثر رسانه های اروپایی رویدادهای قیام آبانماه ایران را بایکوت خبری کردند. یا در شرایطی که جمهوری اسلامی اینترنت را قطع کرده بود ، سفیر آمریکا در آلمان ادعا کرد که توانایی فنی برای برقراری "اینترنت بدون سانسور" برای مردم ایران را دارند ، اما کسی در عمل شاهد هیچ حرکتی در این جهت نشد. بنابر این نباید فریب تبلیغات ریاکارانه امپریالیست ها که به خاطر سیاست "ایران هراسی" دامن زده می شه رو خورد. آن ها دشمنانان مردم ما هستند و به تنها چیزی که فکر می کنند تداوم چپاول و غارت مردم ماست. بنابر این آن نیرو هایی که برای رسیدن به قدرت ، چشم به کمک آن ها بسته اند ، هیچ آینده روشنی را برای توده های فقیر و گرسنه و تشنه آزادی به ارمغان نخواهند آورد. بنابر این به هیچ وجه نباید فریب تبلیغات آن ها را خورد که خودشون بازچه ای در دست قدرت های بزرگ می باشند. در شرایط ایران ، برای رسیدن به آزادی باید به کارگران و توده های ستمدیده متکی بود و با آن ها برای دست یابی به پیروزی جنگید.**

پرسشگر بذرهاک ماندگار: رفیق سنجرى بار دیگر سپاسگزارم که در این گفتگو شرکت کردید.
رفیق سنجرى: با تشکر از کانال بذرهاک ماندگار که چنین فرصتی را فراهم کردید. پیروز باشید.

برخی ملاحظات

در رابطه با

قیام آبان ماه ۱۳۹۸



استان کشور" اعتراضات رخ داده ؛ بدون شک این آمار ها گرچه از شدت وحشیگری اوباشان مسلح جمهوری اسلامی خبر می دهند ، اما در واقع تنها گوشه خیلی کوچکی از واقعیت را نشان می دهند و نه همه آن را. به هر حال با توجه به سلطه سانسور بر کشور و فقدان هرگونه آزادی مطبوعات، نمی شه به آمار های

واقعی در مورد کشتاری که جمهوری اسلامی به راه انداخت دست یافت. اما گستردگی اعتراضات مردمی در سراسر کشور و این واقعیت که بر مبنای شواهد غیرقابل کتمان، سردمداران جمهوری اسلامی دستور شلیک مستقیم به مزدوران خود داده بودند و با توجه به گزارشاتی که از گوشه و کنار کشور بتدریج رسانه ای می شه مانند مورد "کشتار ماهشهر" می شه فهمید که سردمداران جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مبارزات مردم و فائق آمدن بر اوضاع، در طی حدود ۵ روز، یک جنگ خونین و قتل عامی به راه انداخته اند که کم سابقه بوده و بدون شک ابعادش در آینده بیشتر روشن خواهد شد. در مورد تعداد دستگیر شدگان هم همین مشکل وجود داره. برای نمونه در حالی که سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، تعداد بازداشت شدگان اعتراضات سراسری را تا روز یکشنبه ۲۶ آبان، هفت هزار نفر اعلام کرده ، اما واقعیت اینه که از روز یکشنبه تا پایان خیزش مردم نیز چند هزار نفر دستگیر شدند و این در حالی است که بازداشت ها هنوز ادامه دارد و مقامات امنیتی این رژیم هر روز از دستگیری تعداد دیگری از به قول خودشان "لیدر" های این خیزش خبر می دهند. در هر صورت همان طور که اشاره کردم هیچ آمار نزدیک به واقعیتی از تعداد شهدا و دستگیر شدگان در دست نیست. تنها برای این که درک عینی تری از ابعاد وسیع بازداشت شدگان داشته باشیم ، باید اشاره کنم که در تهران با توجه به این که بخش بزرگی از دستگیر شدگان را به زندان اوین و زندان فشافویه فرستاده اند و رئیس شورای اسلامی شهر ری که این زندان در آن منطقه قرار داره ، اعلام کرده که با توجه به تعداد زندانیان منتقل شده به این بازداشتگاه "زندان فشافویه امکانات لازم را ندارد" و به همین دلیل هم از شرایط بسیار سخت زندگی معترضان زندانی خبر می ده ، می شه به

توجه به ماهیت جنایتکارانه دیکتاتوری حاکم و تبلیغات بیشرمانه ای که دستگاه تبلیغاتی رژیم مبنی بر ضرورت مجازات حداکثری برای دستگیرشدگان راه انداخته ، همه قرائن نشان می دهند که زندگی و سرنوشت این بازداشت شدگان در خطر است. به نظر شما در این زمینه چه باید کرد؟

پاسخ: بگذارید در ابتدا خاطره همه عزیزانی که در جریان این خیزش بزرگ مردمی به دست دژخیمان حاکم جان باختند را گرمای بدارم و تاکید کنم که این خون ها هرگز بر زمین نخواهند ماند و هزاران جوانی که در این خیزش تجربه اندوختن و آبدیده شدند ، بیشک پرچم آرمان ها و مطالبات شهدا را بلند کرده و در راهی که با خون آن ها هموار گشته تا سرنوختی جمهوری اسلامی و نابودی نظام ظالمانه حاکم پیش خواهند رفت. همان طور که گفتید جمهوری اسلامی از ارائه آمار کشته شدگان و دستگیر شدگان حوادث اخیر خودداری می کنه، که این تاکتیک، البته امر تازه ای نیست و اگر هم سران رژیم آمار را اعلام می کردن و یا در آینده بکنن ، تجربه نشون می ده که جز دروغ چیزی ارائه نمی دن. در شرایطی که دیکتاتوری حاکم از قول سخنگوی قوه قضائیه اش مدعی می شه که: "بخش قابل توجه ای از افرادی که در جریان حوادث آبان ماه کشته شدند" توسط خود "معترضان کشته شدند" انتظار آمار درست از این دار و دسته جنایتکار دروغگو داشتن توهم محضه.

اما مطالعه گزارشاتی که تاکنون در این رابطه منتشر شده از تعداد زیاد کشته شدگان خبر می دهد. برای نمونه در حالی که "عفو بین الملل" در یازدهم آذر ماه ۹۸ قتل حداقل ۲۰۵ نفر را رسماً تأیید کرده ، خبرگزاری آلمان "دویچه وله" گزارشی منتشر کرده که از کشته شدن ۳۶۶ نفر در جریان این رویداد ها خبر می دهد. با تارنکار حقوق بشر در ایران گزارش داده که از ۲۴ آبان ماه به دنبال اعتراضات سراسری در ۱۶۴ شهر بیش از ۹۰۰ تن به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده اند. البته با توجه به گستردگی این خیزش در سراسر کشور که به قول معاون سیاسی سپاه پاسداران در "۲۹ استان از ۳۱

توضیح پیام فدایی: آن چه در زیر می آید متن مصاحبه کانال تلگرام "بذرهای ماندگار" با رفیق فریبرز سنجری در باره "برخی ملاحظات در رابطه با قیام آبان ماه ۱۳۹۸" می باشد که در نهم دسامبر ۲۰۱۹ صورت گرفت. "پیام فدایی" این مصاحبه را با برخی تصحیحات جزئی از صورت گفتار به نوشتار در آورده است و به این طریق در اختیار علاقمندان قرار می دهد.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود های صمیمانه به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" ، کانال تلگرامی چریکهای فدایی خلق ایران. خیزش بزرگ کارگران و ستمکشان در سراسر کشور و سرکوب ددمنشانه مبارزات توده های کارد به استخوان رسیده توسط نیرو های نظامی جمهوری اسلامی که در عمل حمام خونی در کشور جاری ساخت ، پرسش هایی را سبب شد به خصوص که با گذشت چند روز از این جنایات آشکار ، دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی به تکاپو افتاد تا ابعاد وسیع جنایات خود را لاپوشانی کرده و یا آن را به گردن خود تظاهرکنندگان بیندازد. به همین دلیل از رفیق فریبرز سنجری خواستیم که پاسخگوی پرسش های ما در این زمینه باشند.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: رفیق سنجری با سپاس از این که پذیرفتید در زمینه رویداد های قیام آبان ۹۸ گفتگویی با شما داشته باشیم.

رفیق سنجری: با درود به شما و شنوندگان عزیز کانال بذر های ماندگار و با امید به این که پاسخگوی پرسش های شما باشم.

پرسش: همان طور که اطلاع دارید در جریان خیزش بزرگ آبان ماه ۱۳۹۸ ، تعداد بسیاری از مردم به پا خاسته، کشته و تعداد بسیار زیادتری مجروح شدند و هزاران تن نیز دستگیر گردیدند. جمهوری اسلامی در حالی که تبلیغات مسمومی علیه توده های پیاخته سازمان داده و از زبان خامنه ای آن ها را "اشرار و انسان های ناپاب" خطاب می کند ، از اعلام آمار واقعی کشته شدگان و تعداد دستگیرشدگان خودداری می کند. با

گسیخته حاکم هر تشکلی را در همان نطفه خفه می‌کند. همان طور که از دهه ۶۰ تا کنون چنین کرده. بنابر این ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که هیچ تشکل (صرفا سیاسی) نمی‌تونه به وجود بیاد و خودش و روابط بین خودش و دشمن و سربازان گمنام امام زمانش حفظ کنه چه رسه به این که با توده‌ها ارتباط مستقیم بگیره و آن‌ها را سازماندهی کنه. اما تجربه مبارزات چریکهای فدایی خلق در دهه ۵۰ تجربه خونینی برای مردم ما به جا گذاشته. این مبارزات نشان داده که پیشاهنگ انقلابی اگر به مبارزه مسلحانه متوسل بشه، قادر می‌شه خودش و روابط سازمانیش را حفظ کنه و کم‌کم نقیبه قدرت تاریخی توده‌ها بزنه. به همین دلیل ما همواره تاکید کرده ایم برای غلبه بر این ضعف ضروریه جوانان انقلابی ضمن حفظ مسائل امنیتی دور هم جمع بشن و با تشکیل هسته‌های سیاسی - نظامی هم خودشون را حفظ کنن و هم امکان ارتباط با همفکران دیگر را پیدا کنند.

پرسش: بگذارید قبل از ادامه این گفتگو از خصوصیات ویژه قیام آبان ماه سؤال کنیم. شما خصوصیات اصلی این قیام را در چه می‌بینید؟

پاسخ: ببینید با نگاهی به ترکیب جمعیت در مبارزاتی که در اواخر آبان ماه در سراسر کشور رخ داد فوراً متوجه می‌شیم که این قیام به واقع خیزش کارگران و تهیدستان بود. قیام انسان‌هایی که نظام سرمایه‌داری حاکم حتی قادر به سیر کردن شکمشان نیست. قیام کارگران بیکاری که تا آخرین شیره جانیشان کشیده شده و بعد هم کارفرماهای بی‌همه چیز، بدون هیچ گونه مسئولیتی نسبت به زندگی و سرنوشت آن‌ها، مبادرت به اخراجشان کرده‌اند. این‌ها در جامعه‌ای با نظم سرمایه‌داری که جمهوری اسلامی با سرنیزه و شکنجه و اعدام از آن حفاظت می‌کند، نظم ظالمانه‌ای که لشکری از

ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که هیچ تشکل (صرفاً سیاسی) نمی‌تونه به وجود بیاد و خودش و روابط بین خودش از گزند یورش دشمن حفظ کنه چه رسه به این که با توده‌ها ارتباط مستقیم بگیره و آن‌ها را سازماندهی کنه. اما تجربه مبارزات چریکهای فدایی خلق در دهه ۵۰ تجربه خونینی برای مردم ما به جا گذاشته. این مبارزات نشان داده که پیشاهنگ انقلابی اگر به مبارزه مسلحانه متوسل بشه، قادر می‌شه خودش و روابط سازمانیش را حفظ کنه و کم‌کم نقیبه قدرت تاریخی توده‌ها بزنه. به همین دلیل ما همواره تاکید کرده ایم برای غلبه بر این ضعف ضروریه جوانان انقلابی ضمن حفظ مسائل امنیتی دور هم جمع بشن و با تشکیل هسته‌های سیاسی - نظامی هم خودشون را حفظ کنن و هم امکان ارتباط با همفکران دیگر را پیدا کنند.

آکسیون‌های گوناگون به خصوص با فریاد شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به حمایت از مبارزات مردم برخاسته و نظر نیروهای مترقی و افکار عمومی در خارج از کشور را به این مساله جلب کنند و تا می‌توانند دیکتاتوری حاکم را تحت فشار بگذارند. در عین حال، از آن‌جا که آزادی عزیزان زندانی ما به امر سرنگونی جمهوری اسلامی که آن‌ها با قهر انقلابی توده‌ها امکان پذیره، گره خورده، باید با همه توان روی این امر تأکید و آن را تبلیغ بکنند.

پرسش: امروز بدنال سرکوب وحشیانه قیام آبان ماه پرسش‌های متعددی ذهن مردم ما و مبارزین جوان را اشغال کرده. یکی از این پرسش‌ها اینه که قیام آبان ۹۸ نشان داد که مردم در این قیام دلاورانه خود تا جایی که امکان داشتند به قهر انقلابی توسل جستند اما با این حال جمهوری اسلامی سرانجام خیزش آن‌ها را سرکوب نمود. چرا در جریان این قیام که بسیار حماسی و قهرمانانه بود، قدرت دشمن به ضعف و ضعف مردم به قدرت سرنگون کننده بدل نگشت؟

پاسخ: مشکل بزرگی که وجود داره عدم سازمان یافتگی مردم ما و فقدان سازمان انقلابی ایه که در ارتباط ارگانیک با توده‌ها در صحنه نبرد مردم باشه. اگر به خیزش‌های مردمی در سال ۸۸ و ۹۶ و خیزش آبان ماه نگاه کنیم در سال ۹۸ به روشنی متوجه می‌شویم که همه این مبارزات خود انگیخته، که طی آن توده‌ها قهرمانانه با دشمن جنگیدند، بدون سازماندهی و رهبری بوده. به راستی که این واقعیت، چشم اسفندیار مبارزات قهرمانانه مردم ما در این سالها بوده. روشنه که کسی نمی‌تواند انکار کند که این یک واقعیت تلخه. اما ما نباید در صرف طرح یک واقعیت متوقف بشیم. شکی نیست که باید بر این ضعف غلبه نمود. گام اول برای فائق آمدن بر این ضعف درک این واقعیته که دیکتاتوری لجام

تعداد بسیار بالای بازداشت شدگان منتقل شده به این زندان پی برد و یقین داشت که در همه استان‌ها و اکثر زندان‌ها همین وضع حاکمه و در نتیجه تعداد بازداشت شدگان بسیار بالاست.

حالا، جدا از این که چند هزار نفر در جریان این خیزش بزرگ در سراسر کشور بازداشت شده‌اند، موضوع مهم اینه که جان اکثر این زندانیان بطور جدی در خطر. هنوز چند روزی از این خیزش نگذشته جمهوری اسلامی در دستگاه‌های تبلیغاتی خودش از ضرورت مجازات سنگین و اعدام بازداشت شدگان صحبت می‌کند. یا در قطعنامه راهپیمایی دولتی که مقامات حکومت بصورت خیلی مسخره آن را "خودجوش" می‌نامند به اصطلاح شرکت کنندگان در این راهپیمایی "خواهان اشد مجازات دستگاه قضائی برای اغتشاشگران" شدند. یا برای نمونه معاون دادگستری استان فارس، روز پنجشنبه، در رابطه با شرکت کنندگان در این خیزش گفت "نمی‌خواهیم از هر کسی که کوچکترین نقشی هم داشته بگذریم". این اظهار نظرهای بی‌شرمانه، از برنامه‌های ددمنشانه‌ای خبر می‌ده که دیکتاتوری حاکم علیه جوانان و مردمی در سر داره که در ابتدا در اعتراض به گران شدن بنزین و برای حقوق و مطالبات طبیعی خودشون دست به تجمع در خیابان زدند. همچنین حتماً شما هم مثل من در شبکه‌های اجتماعی برنامه‌ای را دیده‌اید که در آن شخصی به نام فضل‌الله بهرام‌پور، دارد قرآن را تفسیر می‌کند. این پادوی معلوم الحال دیکتاتوری حاکم، با استناد به آیات قرآن از "زجر کش" کردن زندانیان سخن می‌گه و خواهان زجر کش کردن یا به زبان دیگر شکنجه آن‌ها و "دار" زدنشان در ملاء عام می‌شه. شنیدن این رجز خوانی‌ها نشان می‌ده که سردمداران جمهوری اسلامی باز هم با کشتارهای وحشیانه توده‌های بدنال گسترش فضای رعب و وحشت می‌باشند. از همینجا می‌شه متوجه شد که جان عزیزان زندانی ما به طور جدی در خطر.

تجربه چهل سال سلطه جمهوری اسلامی نشون داده جنایتکاران حاکم هنگامی که پای مصالح نظام و منافع شان در کاره، در شکنجه و قتل و جنایت هیچ مرز و حد و حدودی برای خودشون نمی‌شناسند. در نتیجه تنها راه مقابله با این رژیم، مبارزه برای سرنگونی آن می‌باشه که جوانان مبارز ما باید با بهره‌گیری از تجربه مبارزات گذشته با عزمی راسخ تر در این جهت پیش برند. چریکهای فدائی خلق ایران همواره خودشون را موظف دانستن که تجربیات مبارزات گذشته را در اختیار جوانان مبارز ایران قرار بدهند. از نظر ما تشکیل گروه‌های سیاسی - نظامی و انجام عملیات مسلحانه علیه رژیم به مفهوم بر داشتن اولین قدم در این راهه.

شکی نیست که در مقابل سازمانهای سیاسی مردمی و ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور نیز وظایف بزرگی قرار داره. آن‌ها باید با فعالیت‌های خود و برگزاری

به شرایط و اوضاع عینی در هر کشوری این وظیفه فعالین همان کشوره که بینند این خط اصولی و غیر قابل تردید را در عمل چگونه پیاده کنند. اصل حرف اینه که نیرو های انقلابی نباید اجازه بدن که نیروی ضد مردمی ای نظیر سلطنت طلبان که از حمایت بی چون و چرای بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاعی غربی برخوردار هستند ، در چشم مردم در داخل کشور، خودشون را به عنوان تنها بدیل جمهوری اسلامی جلوه دهند.

پرسش: حال که صحبت از سلطنت طلبانه بگذارید این سئوال راهم بکنم. گفته می شود که در نقاطی از ایران تحت تأثیر تبلیغات تلویزیون "من و تو" و یا رسانه های دیگر به نفع سلطنت و به خصوص رضاخان قلدر، شعار "رضا شاه، روح شاد" داده شده، دلیل این امر را چه می دونید؟

پاسخ: اصل مساله بر می گردد به این واقعیت که چهل ساله که جمهوری اسلامی با شکنجه و قتل و جنایت و چپاول و دزدی و فساد ، بر سر کاره و جان مردم را به لبشان رسونده. در این فاصله طولانی بطور طبیعی نسل های جدیدی شکل گرفته و رشد کرده که اطلاعی از دوران شاه ندارند و از شرایط دیکتاتوری و زندگی نکبت بار آن موقع چیزی نمی دانند و تصور هم از شرایط غیر قابل تحمل و ظالمانه ای که باعث شد تا پدران و مادرانشان به انقلاب برحق سالهای ۵۶-۵۷ برخیزند، ندارند. از سوی دیگر چه در خود جمهوری اسلامی و چه توسط رسانه های امپریالیستی صبح تا شب دارن تبلیغ می کنند که آن دوران مردم همه چیز داشتن و زندگیشان به خوبی و خوشی می گذشته. گوئی کم کم در میان مردم ما گوش های شنوایی برای تبلیغات نادرست از سوی این دار و دسته های مزدور پیدا شده. به خصوص که با گذشت چهل سال از سقوط سلطنت و جوان بودن جمعیت کشور ، خیلی ها دوران یکه تازی شاه که در جنایت و دزدی از ولی فقیه کنونی هیچ کم نداشت را ندیده اند.

بنابر این کسی که فریب تبلیغات رسانه های مدافع سلطنت را بخوره فکر می کنه که با قدرت گیری سلطنت به آزادی و دمکراسی و پیشرفت و رفاه دست پیدا خواهد یافت که این ایده البته توهمی بیش نیست. سلطنت پهلوی چه در زمان رضا شاه و چه در زمان فرزندش محمد رضا شاه هیچ جنبانی نبوده که در حد توانشان علیه مردم ما نکرده باشند. اتفاقا یکی از شاهکار های سلطنت همین جمهوری اسلامی. درسته که در کنفرانس گوادلوپ امپریالیست ها دار و دسته خمینی را به مثابه جانشین رژیم شاه انتخاب کردند ، اما یکی از دلایل این امر این بود که دیکتاتوری شاه در حالی که همه نیرو های سیاسی را سرکوب می کرد و اجازه هیچ گونه فعالیت سیاسی به آن ها نمی داد ، اما هر روز

چهل ساله که جمهوری اسلامی با شکنجه و قتل و جنایت و چپاول و دزدی و فساد ، بر سر کاره در این فاصله طولانی بطور طبیعی نسل های جدیدی شکل گرفته و رشد کرده که اطلاعی از دوران شاه ندارند و از شرایط دیکتاتوری و زندگی نکبت بار آن موقع چیزی نمی دانند و تصور هم از شرایط ظالمانه ای که باعث شد تا پدران و مادرانشان به انقلاب برحق سالهای ۵۶-۵۷ برخیزند، ندارند. در خود جمهوری اسلامی و توسط رسانه های امپریالیستی صبح تا شب دارن تبلیغ می کنند که آن دوران مردم همه چیز داشتن و زندگیشان به خوبی و خوشی می گذشته. گوئی کم کم گوش های شنوایی برای تبلیغات نادرست این دار و دسته های مزدور پیدا شده. به خصوص که با گذشت چهل سال و جوان بودن جمعیت کشور ، خیلی ها دوران یکه تازی شاه که در جنایت و دزدی از ولی فقیه کنونی هیچ کم نداشت را ندیده اند.

سیاسی ، وظیفه بزرگی در خارج از کشور مقابل نیرو های مردمی قرار داره، بدون شک شما سلطنت طلبان را جز نیرو های مردمی نمی دانید ، اما اخیرا آن ها در برخی از کشور ها در زمان تظاهرات نیرو های انقلابی ، کنار آن ها آمده و حتی سعی می کنند اغتشاش ایجاد کنند. در این مورد چه باید کرد؟

پاسخ: نکته ای را که مطرح کردید واقعیتی دردناکیه که از مشخصه های اوضاع کنونی. **سلطنت طلبان که امروز به عنوان یک جایگزین امپریالیستی مطرح شدند و می شوند، اساسا جزء نیرو های ضد مردمی هستند و هیچ نیروی مترقی و آزادیخواه با آن ها تظاهرات مشترک برگزار نمی کنه.** البته این ها در خارج از کشور برای سال های طولانی اساسا جرات نمی کردن خودشون رو نشان بدهند ، چه رسه به این که بخواهند در تظاهرات نیرو های انقلابی حضور پیدا کنند. اما از وقتی که قدرت های امپریالیستی از طریق تلویزیون هایی که با بودجه های کلان ، سازمان داده شده اند، شروع کردند به تبلیغ برای سلطنت، این ها بوی کباب شنیده و می کوشند تا مثل چپ ها ، علیه جمهوری اسلامی تظاهرات برگزار کنند.

ما هرگونه همکاری با این دار و دسته مزدور را مخالف منافع و مصالح انقلاب مردم می دونیم و آن را محکوم می کنیم. نیرو های انقلابی باید دست در دست هم آکسیون های مبارزاتی خودشون را در خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی برگزار کنند و به هیچ وجه اجازه ندهند که نیرو هایی که دستشان به خون مردم ما آلوده است ، مرزهای انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش کنند. باید تاکید کنم که بسته

بیکاران تشکیل داده که هر روز هم صفوفشان فشرده تر و گسترده تر می شه.

به باور من خود ویژگی اصلی قیام آبان ماه این بود که از اعماق جامعه برخاسته بود. البته قیام دیمه ۹۶ هم این خصوصیت را داشت ولی این بار کارگران و زحمتکشان در صفی به مراتب گسترده تر و فشرده تر از قبل در میدان نبرد حضور داشتن.

اگر از خزعبلات خامنه ای که مردم را اشرار می نامد و همه چیز را به توطئه بیگانگان نسبت می دهد بگذریم حتی دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی هم در رابطه با ترکیب طبقاتی قیام کنندگان، از بیکار و فقیر بودن دستگیر شدگان خبر دادند. قیام آبان ماه جلوه روشنی از شورش گرسنگان بود که خیلی ها در ایران پس از قیام های دیمه ۹۶ در انتظارش بودند و هنوز هم برغم همه بگیر و ببند ها چنین قیام هائی بدون شک باز از جایی سر بر خواهند آورد. وقتی لشکر بیکاران هر روز گسترده تر می شه و با هر سیاست "شوک درمانی" دژخیمان حاکم میلیون ها نفر به زیر خط فقر پرتاب می شن و جمعیت حاشیه نشینان شهری که در آلونک هائی در حاشیه شهر ها زندگی می کنند ، هر روز بیشتر می شه و برخی آمار از وجود ۱۹ میلیون حاشیه نشین خبر می دهند که حتی حداقل های اولیه زندگی را ندارن ، طبیعیه که شورش گرسنگان هم هر روز وسیع تر و رادیکال تر بشه. بی جهت نیست که مردم شعار می دهند که **"مگر زندگی می کردیم که از مرگ بترسیم"**. امری که لرنه بر پایه های سست سلطه حاکم می اندازه. بد نیست همین جا یادآوری کنم که بعد از سرکوب خیزش ۸۸ ، یکی از پاسداران خامنه ای با تکیه بر حضور جوانان بالای شهر در این خیزش گفته بود که این ها عددی نیستند ، باید از وقتی ترسید که جنوب شهری ها وارد میدان بشوند. امری که در قیام دی ۹۶ و در سطح هر چه وسیعتری در قیام آبان ۹۸ رخ داد و سردمداران جمهوری اسلامی را حسابی ترسانند. خصوصیت بعدی این خیزش، این خیزش بزرگ مردمی ، رادیکالیزم آشکار آن و میادرتش به قهر انقلابی شدید و گسترده بود. چریکهای فدایی پوستری دارند که در آن نوشته شده "قهر ضد انقلابی رو فقط با قهر انقلابی می توان پاسخ داد" و آن چه توده های جان به لب رسیده در خیزش آبان ماه نشان دادند ، درست عمل به همین نظر بود. وقتی در یک استان صد بانک به آتش کشیده می شه خوب معلومه که توده ها به تجربه به این نتیجه رسیده اند که وقتی جمهوری اسلامی با زبانی جز زبان زور سخن نمی گه ، آن ها هم جز با اعمال قهر انقلابی نمی توانند به مطالبات اصلی خودشون دست پیدا کنند. به خاطر این که پاسخ طولانی نشه ، از پرداختن به بقیه موارد که به جای خود هم مهم هستند ، می گذرم.

پرسش: شما در جریان صحبتتان مطرح کردید که برای آزادی زندانیان

گذشته خیلی روشن نشون داده . این امر در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ به نفع خمینی و دار و دسته اش تمام شد. به همین دلیل هم امروز نباید اجازه داد که دو باره چنین تزی عوام فریبانه ای را علم کنند. من هم شنیده ام که در برخی تظاهرات ها در خارج از کشور حتی برخی از چپ های قدیمی از چنین تزی حمایت کرده اند. اما این نه نشان واقع بینی آن ها بلکه انعکاسی از سقوط ایدئولوژیکی شان و زیر پا گذاردن تجارب قبلی مبارزات مردم ما می باشد. تجربه نشان داده که هیچ اتحادی بدون روشن بودن خط و مرزها و برنامه ها به نفع نیروی انقلابی تمام نمی شه. با توجه به تجربه انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ شکی نباید داشت که کسانی که امروز چنین تبلیغ می کنند ، ریگی در کفش دارند. چرا مردم نباید بدانند که هر نیروی سیاسی در صورت قدرت گرفتن ، قراره کدام سمت جهت بده. اگر هنوز جمهوری اسلامی سرنگون نشده ، نیرو های سیاسی اجازه نداشته باشند برنامه های همدیگر رو نقد و بررسی کنند و اگر چنین کنند متهم بشوند که در "اتحاد" نیرو ها اخلال ایجاد کرده اند و متهم به تفرقه افکنی بشوند، خوب معلومه که اگر قدرت هم به دست این نیرو ها بیفته همین وضع ادامه خواهد یافت. خلاصه کنم با تز "همه با هم"، ما صفوف انقلاب را گسترش نمی دیم و تحکیم نمی کنیم بلکه به فریبکاران اجازه می دهیم که کالاهای بنجل خودشون را بهتر آب کنند و نتایج این عوام فریبی را هم مردم ، از همان سرنگونی جمهوری اسلامی شاهد خواهند بود.

پرسش: با سیاس از این که پاسخگوی پرسش های ما بودید. اگر مورد دیگری هست که مایلید به آن بپردازید بفرمائید؟

پاسخ: ببینید واقعیت اینه که ما در شرایط حساس و بغرنجی قرار داریم. به همین دلیل هم از این فرصت استفاده می کنم و چند نکته را مورد تاکید قرار می دهم. اولاً کارگران و ستمدیدگان ما با جسارت غیر قابل توصیف بار ها به خیابان ها ریخته اند و خشم و نفرت خود شون از جمهوری اسلامی ، این جرثومه فساد و تباهی رو نشون دادن. اما با وجود تمام دلآوری های غیر قابل انکار و ستایش برانگیزشان زورشان نرسیده که کاری که شروع کردن را تمام کنند و جمهوری اسلامی رو به زیاله دان تاریخ بنذارند. چه قیام های دی ماه ۹۶ و چه قیام های آبان ماه ۹۸ ، با صراحت خیلی بیشتری نشان دادن که برای رسیدن به آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی راهی جز مبارزه مسلحانه و سازماندهی قدرت مردم در مقابل قدرت دشمنشان وجود نداره. مردم بدون سازمان و بدون سلاح، خودشون این واقعیت را در کف خیابان فریاد می زنن. وقتی خبرگزاری فارس گزارش می ده که تنها در یک استان "بیش از ۱۰۰ بانک و ۵۷ فروشگاه بزرگ" به آتش کشیده شده اند ، ادامه در صفحه ۱۲

تجربه نشان داده که هیچ اتحادی بدون روشن بودن خط و مرزها و برنامه ها به نفع نیروی انقلابی تمام نمی شه. با توجه به تجربه انقلاب ۵۶ و ۵۷ شکی نباید داشت که کسانی که امروز چنین تبلیغ می کنند ، ریگی در کفش دارند. چرا مردم نباید بدانند که هر نیروی سیاسی در صورت قدرت گرفتن ، قراره کشور را به کدام سمت جهت بده. اگر هنوز جمهوری اسلامی سرنگون نشده ، نیرو های سیاسی اجازه نداشته باشند برنامه های همدیگر رو نقد کنند و اگر چنین کنند متهم به تفرقه افکنی بشوند، خوب معلومه که اگر قدرت هم به دست این نیرو ها بیفته همین وضع ادامه خواهد یافت. خلاصه کنم با تز "همه با هم"، ما صفوف انقلاب را گسترش نمی دیم بلکه به فریبکاران اجازه می دهیم که کالاهای بنجل خودشون را بهتر آب کنند و نتایج این عوام فریبی را هم مردم ، از همان سرنگونی جمهوری اسلامی شاهد خواهند بود.

و مثلاً با حذف چند تن از رئیس و رؤسا و تغییر نام و یا حتی با ادغام کردن آن ها در هم، نیروی سرکوب اهریمنی تری را بوجود آورند و کنترل و سرکوب توده ها را به دست آن ها بسپارند؟

البته موارد مهم دیگری هم برای تشخیص یک نیروی خلقی از ضد خلقی وجود داره، مثل باور یا عدم باور به حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم و غیره که به خاطر طولانی نشدن پاسخ به آن ها نمی پردازم. خلاصه کنم نیرو هایی که این موارد را نادیده گرفته و برنامه ای برای مقابله با آن ها در دست نداشته باشند در واقعیت دنبال برقراری دیکتاتوری از نوعی دیگری هستند که فرق اساسی با دیکتاتوری جمهوری اسلامی نخواهند داشت. به باور ما وقتی بحث آلترناتیو و جایگزین مطرح می شه قبل از هر چیز باید این موارد بررسی و روشن بشه. آن هایی که هنوز به قدرت نرسیده حاضر نیستند بدیهی ترین خواست های مردم را در برنامه خودشون قید بکنند ، روشنه که دیکتاتورهایی هستند که چون دستشان از قدرت کوتاه است خودشون را دمکرات جلوه می دهند. به همین دلیل هم افشاک چنین نیرو ها و برنامه هایی امروز باید جزئی از برنامه هر نیروی انقلابی باشه.

پرسش: در دوران انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ یکی از تزهایی که رویش خیلی تبلیغ می شد این بود که "همه با هم" علیه شاه! و بعد از شاه صحبت می کنیم که چه برنامه ای باید پیش برده شود. امروز هم دو باره این جا و آن جا شنیده می شود که با ادعای تمرکز روی تغییر جمهوری اسلامی باز هم دارند "همه با هم" را علم می کنند. با این مساله چگونه باید برخورد کرد؟

پاسخ: خوب در تجربه مبارزاتی مردم ما نتیجه تز "همه با هم" با تمام عواقب ویران کننده اش خودش را در تاریخ چهل ساله

شرایط را برای رشد آخوند ها و خرافات مذهبی آماده تر می کرد. برای نمونه در حالی که انقلابیون را به خاطر کوچکترین فعالیتی حتی نظیر پخش اعلامیه های ضد حکومت شاه ، دستگیر و اعدام می کردند اما آخوند ها ، بویژه در سال های آخر منتهی به قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ، در مساجد آزاد بودن که سخنرانی های غرا سر دهند و برای خودشون نیرو گیری کنند. به همین دلیل هم جمهوری اسلامی را باید یکی از شاهکار های سلطنت پهلوی دانست. ارثیه شومی که سلطنت از خودش برای آینده به جا گذاشت. اتفاقاً همان روش را امروز هم در جمهوری اسلامی برای سلطنت و ساواک جنایتکارش دارند انجام می دهند. مگر همین زیبا کلام نبود که با آزادی کامل در زیر سلطه جمهوری اسلامی و در دستگاه های تبلیغاتی خود این رژیم ادعا می کرد که مردم باید "مدیون ضرب شمشیر آقا محمد خان قاجار و مدیون چکمه های رضا شاه" باشند؟ خوب با چنین تبلیغاتی ، اگر جوانی هم در اعتراض به جمهوری اسلامی فریاد بزنه "رضا شاه، روحت شاد" امر عجیبی نیست.

پرسش: درسته که با چنین تبلیغات پر حجمی فریب خوردن برخی از جوانان امر عجیبی نیست. اما آیا همین واقعیت این وظیفه را با برجستگی مقابل نیروهای انقلابی قرار نمی دهد که به مقابله جدی با چنین تبلیغاتی برخیزند؟

پاسخ: درست می گوئید باید علیه این تبلیغات به مقابله برخاست و تا حد توان اجازه نداد که سلطنت طلبان و نه تنها آن ها ، بلکه هر نیرویی که بخواهد در تقابل با منافع مردم ما ، با کمک نیرو های امپریالیستی به قدرت برسه، جوانان و مردم را فریب بدهند. به باور ما مردم ما برای این که فریب این ناحیان کاذب را نخورند باید برنامه های آن ها را مورد بررسی قرار بدهند. تا ببینند که چنین نیرو هایی آیا خواهان نابودی نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم هستند؟ آیا آن ها خواهان قطع سلطه امپریالیست ها از ایران هستند؟ تجربه نشون میده که تا زمانی که سلطه امپریالیست ها از جامعه ما قطع نشده ، آن ها ، رژیم های وابسته و سرکوبگر را با عبا و عمامه و یا با فکل و کراوات تولید می کنند و به جان مردم ایران می اندازند. مردم ما باید هشیار باشن و اجازه ندهند که امپریالیست ها بتوانند با سوء استفاده از نفرت به حق مردم ما از آخوندها و جمهوری اسلامی، دار و دسته دیگری را در شکلی متفاوت از سران کنونی، برای چاپیدن و سرکوب مردم به جای آخوندها بنشانند و بر جان و مال مردم حکومت کنند. معیار دیگری که جوانان ما و کارگران و مردم ستمدیده باید حتما روی آن تمرکز داشته باشن اینه که آیا مدعیان جایگزینی جمهوری اسلامی خواهان نابودی ارتش و سپاه پاسداران و خلاصه ماشین سرکوب جمهوری اسلامی هستند یا قصدشان اینه که با همین نیرو ها

کشمکش تظاهرکنندگان با پلیس مدتی ادامه داشت ، شعارهای زیادی به سوئدی و فارسی سر داده می شد از جمله "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "جمهوری اسلامی ، رژیم فقر و کشتار ، نابود باید گردد!" ، "کارگر ، معلم ، زحمتکش ، اتحاد! اتحاد! علیه سرمایه دار!" ، "دستگیر شدگان آبان ماه آزاد باید گردند" و ... در جریان این تجمع ، یک سوئدی از "حزب عدالت" در مورد مبارزات مردم کشور های مختلف علیه لیبرالیسم و لزوم سازماندهی و دفاع از این مبارزات ، صحبت کرد. رفیق دیگری از ضرورت مبارزه فخر آمیز توده ای و قاطعیت در حمله و گرفتن سفارت مزدوران جمهوری اسلامی صحبت کرد. این تظاهرات سرانجام در ساعت سه و نیم بعد از ظهر با پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در استکهلم یکی از نیروهای برگزار کننده این تظاهرات بودند که با آرم و پرچمهای سازمان در این تظاهرات شرکت داشتند.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
پیروز باد خیزش انقلابی توده های ستمدیده!
سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران
در استکهلم - سوئد، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹

گزارشی از تظاهرات در لندن



روز یکشنبه اول دسامبر ۲۰۱۹ ، تظاهرات بزرگی در حمایت از قیام آبان ماه توده های ستمدیده ایران و در اعتراض به سرکوب وحشیانه مبارزات مردم جان به لب رسیده و تاکید بر ضرورت آزادی فوری و بی قید و شرط چند هزار نفر بازداشت شده در جریان سرکوب این خیزش بزرگ ، در مقابل سفارت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. در این تظاهرات که با فراخوان نیروهای سیاسی و چپ و مخالف رژیم سازمان داده شده بود ، صدها تن از ایرانیان مبارز و فعالین سیاسی گروه های مختلف از جمله احزاب گرد پا بر پا کردن بنرهای بزرگی حاوی تصاویری از جنایات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی شرکت داشته و به شعار دادن علیه رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از خیزش اخیر گرسنگان پرداختند. تظاهر کنندگان، با شور فراوان، شعارهایی نظیر "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خامنه ای" ، "مرگ بر روحانی" ، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" ، "دستگیر شدگان خیزش اخیر باید بلادرنگ آزاد شوند" ، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد" ، "مرگ بر دیکتاتور" ، "زنده باد انقلاب" و "پیروز باد سوسیالیسم" و ... را به زبان های فارسی و انگلیسی فریاد می زدند. در این تظاهرات پلیس انگلستان جهت جلوگیری از ورود تظاهرکنندگان به محوطه سفارت ننگین جمهوری اسلامی و حمله تظاهرکنندگان به این لانه جاسوسی ، شمار بزرگی از نیروهای خود را به محل آورده و عملاً سدی در مقابل تظاهرکنندگان که برخی از آن ها برای حمله به سفارت تلاش هم نمودند ، ایجاد کرده بود. آن ها با بدرفتری با تظاهر کنندگان چپ و آزادیخواه به وظیفه خود در پیشبرد سیاست کنونی امپریالیست ها یعنی حفاظت از منافع رژیم سرکوبگر و جنایتکار جمهوری اسلامی از گزند مبارزات مردم ایران و حامیانشان در خارج کشور را به پیش می بردند. آن ها با بسیج نیروهای فراوان خود، یکی دو بار تلاش بخشی از جمعیت برای ورود به محوطه سفارت و حمله به آن را خنثی کردند. این در حالی بود که چند روز قبل از این تظاهرات ، نیروهای ارتجاعی و مزدور سلطنت طلب ، در مقابل چشم همین پلیس و بدون عکس العمل جدی آن ها به راحتی توانستند تا در مقابل درب اصلی سفارت رفته و در آن جا تجمع کنند. تا در مقابل دوربین های

آلمان: گزارشی از تظاهرات علیه جمهوری اسلامی



در حمایت از خیزش بزرگ مردم رنجدیده مان که در چند روز گذشته، خواب را از چشم دژخیمان حاکم ربوند، روز شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹ ، از ساعت یازده صبح تا یک بعد از ظهر آکسیون در شهر مونستر آلمان برگزار شد که با استقبال ایرانیان مقیم این شهر و فعالین احزاب و سازمان های سیاسی مختلف مواجه شد. حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ نفر در این تظاهرات شرکت کرده بودند که با سر دادن شعارهایی از قبیل "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" ، "مرگ بر دیکتاتور" ، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" اعتراض خود را نسبت به سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشانشان نشان داده و خواست ها و مطالبات بر حق مردم پهاخته را پژواک کردند. محل آکسیون با بنر ها و شعار های مختلف تزئین شده بود. برخی از این بنر ها متعلق به فعالین چریک های فدایی خلق ایران بود که خود از فراخوان دهندگان این حرکت بودند. همچنین در جریان حرکت یکی از رفقا صحبت کوتاهی در ارتباط با ضرورت حمایت از شورش گرسنگان به زبان آلمانی ایراد نمود که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در پایان این حرکت شرکت کنندگان بطور جمعی سرود "سرآمد زمستان" را خواندند و یاد همه جانباختگان خیزش اخیر را گرامی داشتند.

نابود باد رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی!
پیروز باد مبارزات توده های تحت ستم ایران!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در مونستر - آلمان
۲۴ نوامبر ۲۰۱۹

تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در استکهلم سوئد



در ادامه تظاهرات و حرکات اعتراضی ایرانیان مبارز مقیم خارج کشور ، در حمایت از قیام اخیر توده های تحت ستم و در افشای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ، روز جمعه ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹ ، ساعت ۱ بعد از ظهر ، تظاهراتی در مقابل لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم سوئد با شرکت احزاب و سازمان های چپ و کمونیست برگزار شد. در این تظاهرات حدود ۱۰۰ نفر از ایرانیان مقیم استکهلم و فعالین سیاسی در این شهر شرکت کرده بودند. تظاهر کنندگان ضمن سر دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی ، در یک مقطع ، با خشم تمام به طرف سفارت مزدوران حکومت حمله کردند که با مقابله پلیس و حمله متقابل آنان مواجه شدند. عده ای از تظاهر کنندگان سعی کردند از راه های دیگر به سفارت حمله کنند، ولی پلیس سوئد با اعمال خشونت و با شدت تمام ، مانع حمله تظاهرکنندگان به سفارت جمهوری اسلامی شد.

اتریش: گزارشی از مراسم همبستگی با "مقاومت ضد فاشیستی" گروه موسیقی یوروم!



در ساعت ۶ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹، تجمعی در محل Christian-Broda-Platz در شهر وین در اتریش در حمایت از گروه هنری سیاسی یوروم برگزار شد. در آغاز یکی از رفقا، در مورد فعالیت های این گروه گفت: سال هاست که این گروه با اجرای آهنگ هایی با اشعار سیاسی که بیان درد و رنج توده های زحمتکش می باشد، باعث شور و شوق و امیدواری در مردم شده و آن ها را به مبارزه با ظلم و بی عدالتی دعوت می کند. آهنگ های گروه هنری یوروم، الهام بخش میلیون ها انسان در سراسر جهان بوده و در کنار مقاومتشان، آن ها را در مبارزات اجتماعی، سیاسی، انقلابی همراهی می کند. تعدادی از اعضای این گروه، بارها به دست نیروهای امنیتی و پلیس فاشیست ترکیه به شکلی وحشیانه ای در دفتر خود دستگیر و زندانی و شکنجه و تعدادی از آن ها هم مجبور به مهاجرت به کشورهای آلمان و اتریش شده اند. اخیراً ۵ عضو گروه یوروم در اعتراض به این دستگیری ها با ۱۷۲ روز اعتصاب غذا، خواستار پایان دادن به حملات مداوم پلیس به مرکز فرهنگی خود و از بین بردن تمام وسایل و سازهای موسیقی شدند و همچنین شکنجه کردن زندانیان سیاسی را محکوم کردند و اظهار داشتند هنر انقلابی را نمی توان ممنوع کرد. این تجمع که از طرف "کمیته همبستگی" سازماندهی شده، از تاریخ ۲۹ نوامبر تا ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹، هر روز در یکی از شهرهای آلمان برگزار خواهد شد. ما در وین، از این حرکت حمایت می کنیم تا در این کمپین به یک صدای قوی و رسای جهانی تبدیل شویم. زنده باد همبستگی بین المللی! بعد از آن تعدادی از سروردهای گروه یوروم به طور دست جمعی و با همراهی ساز و گیتار، توسط تجمع کنندگان و در میان شور و هیجان انقلابی حاضران خوانده شدند. گروه موسیقی یوروم، بخشی از طیف سوسیالیستی - انقلابی است که سال هاست در معرض آزار و اذیت های رژیم فاشیستی حزب عدالت و توسعه در ترکیه قرار داشته است. آن ها به دلیل گرایش به جریانی به نام "جبهه آزادی بخش انقلابی خلق" که خود را یک حزب مارکسیست لنینیستی معرفی کرده و مطرح می سازد که معتقد به مشی مبارزه مسلحانه می باشد، توسط ترکیه و کشورهای امپریالیستی اتحادیه اروپا و آمریکا لیست گروه های تروریستی قرار گرفته اند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران با شرکت در این تجمع و همراهی با رفقای تُرک در حمایت از این گروه هنری سیاسی، با پخش ترجمه مقاله "افزایش قیمت سوخت و خشم توده ها" به زبان آلمانی، به اطلاع رسانی در افکار عمومی و جلب حمایت از خیزش توده های تحت ستم ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در طی هفته های گذشته رخ داد، پرداختند، رفقا بویژه در مورد جنایت های مزدوران مسلح رژیم جمهوری اسلامی که باعث کشته شدن تعداد زیادی از تظاهرکنندگان (بیش از ۳۰۰ نفر) و دستگیری بیش از ۷۰۰۰ نفر (تا این لحظه) شدند، افشاگری و اطلاع رسانی کردند. این تجمع که ۸۵ نفر در آن شرکت داشتند، با شعار "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد" در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر خاتمه یافت.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در وین - اتریش
سوم دسامبر ۲۰۱۹

زوم شده تلویزیون های ارتجاعی و بر پا شده با بودجه امپریالیست ها، فریاد های ننگین "جاوید شاه" سر دهند و در مقابل چشمان جوانان مبارز و توده های به پا خاسته در داخل کشور که جان بر کف برای "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" به خیابان ها ریختند، این گونه جلوه دهند که گویا تمام تظاهر کنندگان و ایرانیان خارج کشور طرفدار سلطنت و حکومت شاه مزدور و سرکوبگر هستند. در روز یکشنبه، جدا از تظاهرات نیروهای آزادیخواه در مقابل سفارت جمهوری اسلامی، طرفداران سلطنت ارتجاعی پهلوی نیز به چشم می خوردند که با حمل پرچم های شیر و خورشید نشان و عکس هایی از رهبر شان رضا پهلوی در حمایت از رژیم ضد مردمی شاهنشاهی شعار می دادند. در ابتدای این حرکت، هنگامی که نیروهای مبارز و چپ در صدد بر پا کردن پرچم ها و شعارهای خودشان در فاصله ای از سلطنت طلبان برآمدند، مسئولین این گروه، با بیشرمی تمام از پلیس خواستند که اجازه حضور آن ها در مقابل سفارت را ندهند و پلیس نیز به همکاری با آن ها پرداخت و می خواست که اجازه تجمع در محل را به تظاهرکنندگان غیر سلطنت طلب ندهد. اما با پایداری نیروهای چپ، بدون گوش فرا دادن به این خواست، سرانجام در فاصله ای با سلطنت طلبان، سایر گروه ها توانستند تظاهرات خود را سازمان بدهند. با وجود این، چند بار برخی از عناصر شناخته شده طرفدار سلطنت، کوشیدند تا با حمل عکس های فرزند شاه مزدور، درون صف تظاهرات نیروهای چپ و مبارز نفوذ کرده و صف بندی های موجود را مخدوش نموده و کل تظاهرات را حرکت سلطنت طلبان جلوه دهند. این تلاش مذبحخانه نیز با هشیاری نیروهای مبارز و راندن عناصر سلطنت طلب از صف نیروهای غیر سلطنت طلب عقیم ماند. کمی بعد نیز بعد از آن که گروهی از سلطنت طلبان برای رفتن به محلی دیگر از مقابل سفارت به راهپیمایی پرداختند، هنگام عبور از مقابل تجمع نیروهای چپ و کمونیست، بیشرمانه شروع به تعرض لفظی به تظاهرکنندگان کردند و شعارهای ننگین "جاوید شاه" را سردادند. این حرکت با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "نه شاه می خواهیم، نه ملا، حکومت شوراها" از سوی نیرو های مترقی پاسخ شایسته گرفت. برخورد ها و تلاش های سلطنت طلبان در تجمع روز یکشنبه در لندن بار دیگر نشان داد که همان طور که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در کشورهای مختلف اروپایی در گزارش حرکت های اعتراضی شان به مردم و افکار عمومی توضیح داده اند، سلطنت طلبان به عنوان یک نیروی وابسته به امپریالیسم در خارج کشور علیه توده های به پا خاسته و مدافعین آن ها بوده و می باشند. نیروهای سلطنت طلب، اخیراً با وقوع خیزش قهرآمیز گرسنگان در داخل کشور علیه جمهوری اسلامی، با سودای بازگرداندن حکومت منفور پادشاهی که چهل سال پیش با انقلاب توده های ستمدیده ایران که در ابعاد میلیونی به خیابان ها ریخته بودند، ضربه آخر را خورد و به زباله دان تاریخ افکنده شد، اکنون بار دیگر در صحنه خارج کشور یک باره پیدایشان شده و با پوشش تبلیغاتی گسترده ای که بوق های تبلیغاتی وابسته و ارتجاعی نظیر "بی بی سی" و "من و تو" و "ایران اینترنشنال" و شرکاء برایشان مهیا ساخته اند، می کوشند تا با توجه به بحران فراینده گریبانگیر جمهوری اسلامی، اگر اربابان جهانی شان صلاح دیدند، برای ایفای نقش ضد انقلابی خود یعنی سرکوب انقلاب و حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران، آمادگی خود را به نمایش بگذارند. این هشدار است که باید تمام نیروهای مبارز و مردمی به آن توجه کرده و با اتحاد و یکپارچگی با آن برخورد کنند. در این تظاهرات که از ساعت یک بعد از ظهر شروع شد، حدود هزار تن از ایرانیان خارج کشور از جمله شمار بسیار زیادی از جوانان، بویژه جوانان گُرد شرکت کردند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن به همراه رفقای سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان، از فراخوان دهندگان این تظاهرات بودند و رفقای ما با آرم و پرچم های سازمان در این تظاهرات شرکت داشتند. این تظاهرات موفقیت آمیز در ساعت حدود سه بعداز ظهر به پایان رسید.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد شورش گرسنگان، زنده باد انقلاب!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن - انگلستان
۲ دسامبر ۲۰۱۹

اسلو: گزارش آکسیون اعتراضی در دفاع**از جان دستگیر شدگان قیام آبان**

در پی خیزش آبانماه ۱۳۹۸ کارگران، زحمتکشان، گرسنگان و پابرهنگان جان به لب رسیده میهنان و به خاک و خون کشیدن آن‌ها بوسیله مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹ جمعی از نیروهای چپ و مخالف جمهوری اسلامی، با انتشار فراخوان‌های مختلف برای اعتراض به این جنایات، آکسیونی را در مقابل سفارت رژیم در شهر اسلوی نروژ بر پا کردند. این حرکت اعتراضی، با هدف افشای جنایات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی حافظ نظم سرمایه داری حاکم علیه خیزش گرسنگان و رساندن صدای هزاران تن از دستگیر شدگان قیام اخیر و خانواده هایشان به افکار عمومی و مردم آزادخواه نروژ برگزار گشت. در این حرکت که با حضور تعداد قابل توجهی از ایرانیان و فعالین سیاسی احزاب و نیروهای مختلف در مقابل جاسوس خانه حکومت در اسلو، برگزار شد، شرکت کنندگان ضمن سردادن شعارهایی نظیر "مرگ بر دیکتاتور"، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" و ... به زبان‌های فارسی و نروژی، حمایت خود از جنبش انقلابی مردم ایران به عنوان جزیی جدایی ناپذیر از جنبش‌های سراسری خلق‌های تحت ستم از لبنان و عراق گرفته تا شیلی و ... را اعلام کردند و بر همبستگی مبارزاتی خلق‌های تحت ستم جهان علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری جهانی تاکید کردند. شرکت کنندگان در این آکسیون، پس از یک ساعت با شعار "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده" به این حرکت اعتراضی پایان دادند. فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران از فراخوان دهندگان این آکسیون اعتراضی بودند که جلوه‌ای از حمایت ایرانیان خارج کشور از مبارزات خلق‌های ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد.

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی**

**پیروز باد رزم دلاورانه کارگران
و ستمدیدگان**

**فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران در نروژ
۲ دسامبر ۲۰۱۹**

گزارش کوتاهی از تظاهرات در حمایت از خیزش توده‌ها

بعد از ظهر شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹، تظاهرات بزرگی در دفاع از قیام توده‌های به پاخته ایران در نزدیک به ۱۵۰ شهر کشور علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در مقابل سفارت این حکومت در لندن، برگزار شد. چند صد تن از ایرانیان مبارز و فعالین نیروهای سیاسی مخالف رژیم، در این تظاهرات شرکت کردند و با سردادن شعارهایی بر ضد رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به پژواک صدای توده‌های در بند ایران پرداختند. توده‌هایی که در یک هفته اخیر، با مایه گذاردن از جان خود با حمله به نیروهای سرکوبگر و نهادهای غارتگر و سرکوبگر دولتی، برای سرنگونی این رژیم جنایتکار و مردم ستیز، به پاخته اند. در طول این تظاهرات، بنرهای بسیار بزرگی، حاوی برخی از جنایات ۴۰ ساله جمهوری اسلامی علیه کارگران، زنان، جوانان و خلق‌های تحت ستم ایران به نمایش درآمده بودند. شعارهای بسیار زیادی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و گردی سرداده شدند که برخی از آن‌ها به شرح زیر بودند: "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "مرگ بر حکومت مذهبی و زن ستیز"، "نان، کار، آزادی"، "زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم" و ... شعارهای تظاهر کنندگان توجه عابران انگلیسی و غیر انگلیسی را به خود جلب کرده بود و بسیاری از رانندگان با به صدا درآوردن بوق اتومبیل‌های خود از تظاهر کنندگان حمایت می‌کردند. از نکات قابل توجه در تظاهرات امروز شرکت تعداد بسیار زیادی از جوانان بود که ضمن صحبت با رفقا در صدد تحقیق در مورد ماهیت و هویت جریان‌های سیاسی و ارتقاء آگاهی سیاسی خود بودند. از ویژگی‌های دیگر این تظاهرات، حضور همزمان نیروهای در مقابل سفارت بود که به لحاظ ماهیت طبقاتی از یک جنس نبودند و برخی از آنان نظیر سلطنت طلبان که به خاطر خیزش گرسنگان در ایران و لرزه افتادن بر حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی، تحرکات تازه‌ای پیدا کرده‌اند، در این تظاهرات شرکت نموده و پرچم‌های منتسب به رژیم ضد خلقی پهلوی و عکس‌های پسر شاه را بلند کرده بودند. این نیروها که بوی کباب شنیده‌اند، با فضایی که بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی نظیر "من و تو" و "ایران اینترنشنال" به طور آگاهانه برای سلطنت طلبان فراهم کرده‌اند، در اواخر تظاهرات به تعرض لفظی و فحاشی نسبت به نیروهای دیگر پرداختند و با فحاشی حتی تا مرز درگیری فیزیکی با یکی از تظاهر کنندگان پیش رفتند که خواهان آن بود سلطنت طلبان عکس‌های رضا پهلوی را بالای سر او نگیرند و صف تظاهرات را مخدوش نکنند. البته تلاش‌های سلطنت طلبان جهت مخدوش کردن صف نیروها و ایجاد درگیری، با هشاری نیروهای مبارز خنثی و به رسوایی بیشتر آن‌ها انجامید. فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان از فراخوان دهندگان این تظاهرات موفقیت آمیز بودند. فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران با آرم و پرچم سازمان در این تظاهرات شرکت کردند. تظاهرات امروز از ساعت یک بعد از ظهر شروع و حدود ساعت چهار پایان یافت.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

**پیروز باد مبارزات قهرمانانه کارگران و خلق‌های تحت ستم کشورمان
علیه دشمنان رنگارنگشان!**

فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران در انگلستان

آدرس پست الکترونیک

E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان

SiahkalFadaee

کانال تلگرام

@BazrhayeMandegar

اینستاگرام

BazrhayeMandegar

برای تماس با

چریک‌های فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

**BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND**

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریک‌های فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!